وصف بهشت

(جنت)

**برگزیده‌ از کتاب و سنت**

**نویسنده:**

**ابوالحسن ابن الفقیه**

**مترجم:**

**ام عزیزالرحمان ملازاده**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | وصف بهشت (جنت) | | | | |
| **نویسنده:** | ابوالحسن ابن الفقیه | | | | |
| **مترجم:** | ام عزیزالرحمان ملازاده | | | | |
| **موضوع:** | عقاید کلام – مجموعه عقاید اسلامی – معاد (حیات بعد از مرگ ...) | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | | |
| **منبع:** |  | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc431811799)

[مقدمۀ مترجم 1](#_Toc431811800)

[پیشگفتار نویسنده 3](#_Toc431811801)

[آیا نعمت‌های بهشت را می‌شناسیم؟ 5](#_Toc431811802)

[درهای بهشت 9](#_Toc431811803)

[ساختمان‌ها و خاک بهشت 13](#_Toc431811804)

[اتاق‌‌های جنت 14](#_Toc431811805)

[خیمه‌های بهشت 16](#_Toc431811806)

[کاخ‌های بهشت 18](#_Toc431811807)

[خاک بهشت 18](#_Toc431811808)

[باغ‌ها و ثمره‌های بهشت 19](#_Toc431811809)

[چشمه سارهای بهشت 21](#_Toc431811810)

[نهرهای جنت 23](#_Toc431811811)

[طبقات بهشت 27](#_Toc431811812)

[درختان و میوه‌های بهشت 35](#_Toc431811813)

[هیئت و شکل اهل بهشت 43](#_Toc431811814)

[زنان اهل بهشت 46](#_Toc431811815)

[اخلاق زنان اهل بهشت 49](#_Toc431811816)

[آهنگ و موسیقی اهل بهشت 50](#_Toc431811817)

[راه‌رسیدن به بهشت 53](#_Toc431811818)

مقدمۀ مترجم

در عصر حاضر که پرداختن به مادیات و ظواهر عوام فریبانه این دنیا پرده تاریکی در مقابل اندیشه‌ی معنوی و تفکر دینی بسیاری از مردم قرار داده و آن‌ها را از توجه به مرگ و عالم پس از آن و جنت و نعمت‌های آن غافل نموده، سخن‌گفتن و نوشتن مطالبی در بارۀ جهان آخرت و نعمت‌ها و احسآن‌هایی که خداوند وعدۀ رسیدن به آن‌ها را در بهشت به مؤمنان مخلص داده، بسیار دشوار و مفهومی دور از ذهن به نظر می‌آید، مگر برای کسانی که به خداوند متعال از صمیم قلب و عمق اندیشه و بدون هیچگونه تردیدی ایمان آورده و بشارت‌های غیبی پروردگار را پذیرفته، و در این جهان فانی با پیروی از دستورات الهی و سنت پیامبر ج راه رسیدن به زندگانی سعادتمند در بهشت را برای خود هموار نموده باشند.

آری، سخن از بهشت برین و نعمت‌ها و راه‌رسیدن به آن برای کسانی که تقوی پیشه نموده و با جان و مال خود در راه کسب رضایت خداوند متعال می‌کوشند، و سر منزل مقصود خود را رسیدن به بهشت و جاودانه زندگی‌کردن در آن قرار داده‌اند، آهنگی دلنشین و روح نواز است، این بندگان مخلص خدا همواره سعی و تلاش می‌نمایند تا با عبادت و پرهیزگاری توشه‌ای برای آخرت خود فراهم سازند.

سراسر آیات کلام الله مجید و روایات منقول از رسول اکرم ج انسان‌های مؤمن و پرهیزگار را به راه‌رسیدن بهشت و برخورداری از نعمت‌های بیکران و ابدی آن رهنمون می‌نمایند.

پیامبر گرامی اسلام ج در شب معراج و لیلة الاسراء با تمام وجود و در حالت بیداری وارد جنت شدند و نعمت‌های جاویدان آن را لمس کردند، و به امت مسلمان فرمودند که برای رسیدن به بهشت با ایمان کامل به انجام عبادات و اعمال نیک در این دنیا بپردازند تا در جنت کامیاب شوند.

این دنیا و هرچه در آن وجود دارد، وسایل و ابزاری برای آزمایش انسان و تلاش وی برای به دست‌آوردن زندگی جاوید در آن دنیا است. هیچ انسان عاقل و فهمیده‌ای لذت‌های آنی و چندروزۀ این دنیای زودگذر و فانی را با ذلت‌ها و خوشی‌های ماندگار و جاویدان بهشت عوض نمی‌کند.

در کتاب حاضر که ترجمه رساله‌ی «وصف الجنة من الكتاب والسنة والطريق الموصل إليها» می‌باشد، کوشش به عمل آمده تا اوصاف و ویژگی‌های بهشت با استفاده از آیات قرآن مجید و احادیث رسول اکرم ج بیان شود و راه‌های رسیدن به آن به روشنی ترسیم گردد.

امید است این خدمات ناچیز مقبول درگاه حق قرار گرفته و وسیله‌ای برای ترغیب و تشویق برادران و خواهران مؤمن به ویژه جوانان گرامی که هدف تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام قرار دارند، در راه‌رسیدن به بهشت موعود باشد و بسیاری از دل‌های خفته را بیدار سازد.

از خوانندگان گرامی برای خود و برای آن‌هایی که در تهیه و تدوین و ویرایش این کتاب با من همکاری نموده‌اند، تقاضای دعای خیر دارم.

ام عزیزالرحمان ملازاده

پیشگفتار نویسنده

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه.

برخی از احسان‌های خداوند چنان هستند که نه با چشم دیده و نه با گوش شنیده می‌شوند، و نه در فکر و اندیشه کسی خطور کرده‌اند، تا مؤمنان به شوق دستیابی به آن احسان‌ها و نعمت‌ها پروردگار آستین همت را بالا زده و بی‌خبران را به رحمت الهی و نعمت‌های بهشت آگاه نمایند، رسول خدا ج گفت که خداوند می‌فرماید: «أَعْدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لاَ عَيْنٌ رَأَتْ، وَلاَ أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلاَ خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ»([[1]](#footnote-1)).

ترجمه: پیامبر خدا ج گفت: «خداوند متعال می‌فرماید: نعمت‌هائی را برای بندگان صالح خود در بهشت آماده و ذخیره کرده‌ام که هیچ چشمی آن‌ها را ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده است»، دوست دارید آیۀ مبارکه‌ای را که در این رابطه می‌باشد، تلاوت کنید. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾ [السجده: 17].

ترجمه: «هیچکس نمی‌داند در برابر کارهائی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان درنظر گرفته شده است؟».

خواننده گرامی! با من همراه شوید تا دل‌های غافل را با هشداری آرام به تفکر در نعمت‌ها و احسان‌های پروردگار متعال که در بهشت جاویدان وجود دارد، آگاه سازیم.

با من همراه شو! تا با حوران بهشتی آشنا شده و نگاهی گذرا به حسن و جمال درشتی و سیاهی چشم‌های‌شان بیندازیم، زیرا چه بسا افرادی بوده‌اند که با تفکر در بارۀ حوران جنت به توبه و استغفار از گناهان پرداخته و به سوی الله برگشتند، و در نتیجه خداوند متعال آنان را به ملاقات و دیدار حوران بهشتی در جنت جاوید مشرف ساخت، بدون شک کسانی را که الله تعالی در جنت داخل کند، از آنان به خوبی پذیرایی خواهد نمود.

والسلام

ابوالحسن ابن الفقیه

1421 هـ . ق

آیا نعمت‌های بهشت را می‌شناسیم؟

خداوند متعال برخی از اوصاف جنت را به منظور ترغیب و تشویق برای دسترسی به آن‌ها برای ما تعریف نموده است، و بعضی از نعمت‌های آن بیان شده و بسیاری از آن‌ها را برای فراهم‌آوردن زمینۀ بیشتر جهت تلاش و کوشش بشر مخفی نموده است... انواع نعمت‌های جنت هرچه بیشتر شناخته شوند، عقل بشر از درک و فهم آن ناتوان‌تر می‌ماند، زیرا خوبی‌هایی در بهشت وجود دارد که بر هیچ فکری خطور نکرده و هیچ کسی در هرگونه حالتی آن را نمی‌شناسد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا بهشت و نعمت‌هایش را می‌شناسیم؟

بدون تردید آنجا سرایی جاودانه و همیشگی می‌باشد، انسان بهشتی نه سختی می‌بیند و نه بدبختی، و نه در آن اندوهگین می‌شود و نه گریه می‌کند، لذاتش را انتهایی و خوشی‌هایش را پایانی نیست، نعمت‌هایش عقل انسان را متحیر و اندیشه‌اش را متعجب می‌گرداند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هي جنة طابت وطاب نعيمها |  | فنعيمها باق وليس بفان |

آن باغی است بسیار خوب و دارای نعمت‌های زیبا، پس نعمت‌های آن برای همیشه باقی می‌ماند و هرگز فنا نمی‌پذیرد.

بهشت نوری است که می‌درخشد، و ریحانی است که فضا را عطرآگین می‌کند، کاخی است محکم، نهری است جاری و میوه‌ای است رسیده... و دارای حوریانی است زیبا و خوبروی. و لباس‌های بسیار در جایگاهی همیشگی و ابدی، و... دارای خانه‌هایی بلند و زیبا که برای اهل و صاحبان‌شان مانند ستاره‌ای است که در افق می‌درخشد و همواره در حال نورافشانی می‌باشد.

عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَس قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مِمَّ خُلِقَ الْخَلْقُ؟ قَالَ: «مِنَ الْمَاءِ». قُلْتُ: مَا بِنَاءُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: «لَبِنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ، وَلَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَمِلاَطُهَا الْمِسْكُ الأَذْفَرُ، وَحَصْبَاؤُهَا اللُّؤْلُؤُ وَالْيَاقُوتُ، وَتُرْبَتُهَا الزَّعْفَرَانُ، مَنْ يَدْخُلْهَا يَنْعَمْ وَلاَ يَبْأَسْ، وَيُخَلَّدْ وَلاَ يَمُوتْ، لاَ تَبْلَى ثِيَابُهُمْ وَلاَ يَفْنَى شَبَابُهُمْ»([[2]](#footnote-2)).

ترجمه: «از ابوهریرهس مرویست که عرض کردم: یا رسول الله! مخلوقات از چه چیزی آفریده شده‌اند؟ فرمود: از آب، عرض کردم: ساختمان‌های بهشت از چه چیزی ساخته شده؟ فرمود: خشتی از نقره، و خشتی از طلا و ملاط آن (ملاط: مخلوطی از گل یا ماسه و سیمان که میان دو خشت قرار داده می‌شود) مُشک خوشبو، و سنگریزه‌هایش از مروارید و یاقوت، و خاکش زعفران می‌باشد، هرکس داخل آن شد، به خوشی زندگی کرده ناامید نمی‌شود، جاویدان می‌ماند و هرگز نمی‌میرد، لباس‌های اهل جنت کهنه نمی‌شوند و جوانی آن‌ها از بین نمی‌رود».

بنابراین، جنت و نعمت‌هایش بسیار خوب، زیبا و لذت‌بخش می‌باشند: ﴿لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥﴾ [آل عمران: 15].

ترجمه: «برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند نزد پروردگارشان باغ‌هایی (در جهان دیگر) است که رودخانه‌ها از پای (درختان) آن‌ها می‌گذرد، در آنجا جاویدان هستند. (همچنین ایشان را) همسران پاکیزه (از هر پلیدی و نقصی) و خشنودی خداست. و خداوند (رفتار و کردار) بندگان را می‌بیند. (و نیت درونی ایشان را می‌داند)».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وجنات عدن ذخرفت ثم أزلفت |  | لقوم على التقوى دواما تبتلوا |
| بها كل ما تهوي النفوس وتشتهي |  | وقرة عين ليس عنها تحول |

باغ‌ها و بهشت جاوید برای مردمی مزین و آراسته و آماده شده‌اند که همیشه از خدا می‌ترسند و با تقوایند، و به خاطر رسیدن به بهشت از خواهش‌های نفسانی دوری می‌کنند، زیرا بهشت مکانی است که باعث راحت و آرامی چشم‌ها می‌شود و هرکس داخل بهشت شد هرگز از آن جدا نمی‌شود.

برادر و خواهرم! آیا ممکن است که عقل انسان این همه نعمت‌ها را درک کند و سپس نسبت به آن‌ها بی‌رغبتی نشان دهد؟!!

این ندای خیر است که تو را با دلسوزی فرا می‌خواند، و نیروی رقابت و مسابقه برای رسیدن به بهشت را در وجود تو تحریک می‌کند: ﴿۞وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣﴾ [آل عمران: 133].

ترجمه: «(و با انجام اعمال شایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان و (رسیدن به بهشتی) بشتابید و بر یکدیگر پیشی گیرید که پهنای آن (همچون پهنای) آسمان‌ها و زمین است؛ (و چنین جایگاه باارزشی) برای پرهیزکاران تهیه دیده شده است».

بنابراین، به سوی خودداری از گناه و طلب بخشش از گناهان و زندگی ابدی در سرزمینی جاوید بشتاب! زیرا بشارت‌دهنده به تو چنین مژده می‌دهد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا طالب الدنيا الدنية إنها |  | شرك الردى وقرارة الأقذار |
| دار متى ما أضحكت في يومها |  | أبكت غداً تباً لها من دار |

ای کسی که خواهان دنیای پست و بی‌ارزش هستی، بدان دنیا جایگاهی بی‌ارزش و فاسد است.

خانه‌ای است که یک روز آن شادی و روز دیگرش گریه است، چنین خانه‌ای نابود باد.

بنابراین، انسان دانا کسی است که این دنیا را فقط به اندازۀ رفع احتیاج خود بخواهد، و برای به دست‌آوردن نعمت‌های دنیای باقی و ورود به بهشت تلاش کند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لَّكَ مِنَ ٱلۡأُولَىٰ ٤﴾ [الضحی: 4] ترجمه: «و به یقین آخرت براى تو از دنیا بهتر است!».

عاقل کسی است که به دنبال سعادت و خوشبختی همیشگی برود و در جستجوی بهشت باشد و برای به دست‌آوردن نعمت‌های بیکران آن تلاش کند، راه به دست‌آوردن جنت یقین‌داشتن به توحید و یگانگی الله تعالی و اتباع و پیروی رسول خدا محمد ج و أدای فرائض و واجبات و دوری‌نمودن از اعمال فاسد، گناهان کبیره و کارهایی که خداوند حرام نموده است می‌باشد، و همچنین نزدیک‌شدن به پروردگار به وسیلۀ انجام نوافل و اعمال صالح و توبه و انابت به سوی پروردگار در هنگام تاریکی و خلوت و استغفارنمودن از خطاها و گناهان و لغزش‌هاست، و رفتن به دنبال فراگیری علم و دانش و سعی‌نمودن برای فهمیدن و عمل‌کردن به علم و مداومت بر اخلاص و صدق و راستی با الله تعالی می‌باشد، زیرا جویندۀ این طریق در یقین و یافتن راه سعادت ناکام نمی‌شود و جدیت و کوشش وی ضایع نخواهد شد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾ [العصر: 1 – 3].

ترجمه: «سوگند به زمان (که سرمایۀ زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است)! انسان‌ها همه در زیان هستند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای نیکو و شایسته انجام می‌دهند، و یکدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنجهائی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد)».

ناظم (یکی از علمای اسلامی) می‌گوید: برادرم! آیا راه‌های ورود به جنت را می‌دانی؟

درهای بهشت

اکنون که شناخت اجمالی نسبت به نعمت‌های بهشت برین و شیوه‌های رسیدن به این نعمت‌ها را پیدا نمودیم، بیائید باهم نزدیک دروازه‌های جنت برویم، تا با فکر و اندیشۀ خود در ملکوت اعلای خداوند و در اسرار شگفت‌انگیز پروردگار که برای بندگان مؤمن، فرمانبردار، نیکوکار و صالح و برگزیدۀ خود مهیا و آماده ساخته سیر و گردش نمائیم.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ٧٣﴾ [الزمر: 73]. ترجمه: «و کسانى که از پروردگارشان ترسیده‏اند گروه گروه به سوى بهشت سوق داده مى‏شوند تا هنگامى که به [کنار] آن رسند در حالى که درهایش گشوده شده است و نگهبانانش به آنان گویند: سلام بر شما باد. پاک بوده‏اید [و خوش باشید]. جاودانه به آن درآیید».

رسول اکرم ج می‌فرماید: «وَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُبْلِغُ - أَوْ فَيُسْبِغُ - الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِلاَّ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ، يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ»([[3]](#footnote-3)).

ترجمه: «برای هریکی از شما که به طور صحیح و کامل وضو می‌کند و سپس می‌گوید: گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز خداوند نیست و به درستی که محمد ج بنده و فرستادۀ اوست، پاداشی به جز این نیست که درهای هشتگانه بهشت برای ورود او باز می‌شود، و به او گفته می‌شود که از هرکدام از آن‌ها که دوست دارد داخل جنت شود».

چرا دروازه‌های بهشت زیاد نباشند، زیرا چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢١﴾ [الحديد: 21] ترجمه: «بر یکدیگر پیشی بگیرید، برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به اندازۀ پهنای آسمان و زمین است. (این بهشت) برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان داشته باشند، این پاداش خدا است، و به هرکس که بخواهد می‌بخشد و خداوند دارای بخشش و عطای بزرگ و فراوان است».

آری، آن بهشت بلند و باارزش و زیباست که دارای درهائی بزرگ می‌باشد که به یقین شایستۀ بزرگی و منزلت است، رسول اکرم ج می‌فرماید:

«إِنَّ مَا بَيْنَ مِصْرَاعِيِّ الْجَنَّةِ مَسِيرَةُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، يُزَاحَمُ عَلَيْهِ كَازْدِحَامِ الإِبِلِ وَرَدَتْ لِخَمْسٍ ظَمَاءٍ»([[4]](#footnote-4)).

ترجمه: «همانا (مسافه) میان دو درب بهشت مسیر چهل سال (راه) می‌باشد، بر آن چنان ازدحام می‌شود مانند ازدحام شتران که بعد از پنج روز تشنگی (بر آبی) می‌ریزند». (وجه تشبیه به شتران این است که همان اندازه که شترها بعد از پنج روز تشنگی چگونه شور و شوقی دارند، مردم هم برای ورود به بهشت به همان اندازه شور و شوق دارند، چون در زمان پیغمبر ج آب کم بوده شتران را هر پنج روز یک بار آب می‌دادند).

خداوند تبارک و تعالی برای ورود از هر دری از درهای جنت اهل و گروهی را مشخص کرده است، دری از درهای جنت مخصوص ورود انسان‌های تواب و توبه‌کننده، و دری دیگر از آن مخصوص ورود صدقه‌دهندگان، و دری از آن مخصوص ورود مجاهدان راه خدا، و دری متعلق به ورود فروبرندگان خشم، و دری از آن ویژۀ ورود روزه‌داران می‌باشد.

رسول خدا ج می‌فرماید: «مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيلِ اللَّهِ نُودِىَ فِى الْجَنَّةِ يَا عَبْدَاللَّهِ هَذَا خَيْرٌ. فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلاَةِ دُعِىَ مِنْ بَابِ الصَّلاَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِىَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِىَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِىَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ». قَالَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا عَلَى أَحَدٍ يُدْعَى مِنْ تِلْكَ الأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ مِنْ تِلْكَ الأَبْوَابِ كُلِّهَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ج: نَعَمْ، وَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ»([[5]](#footnote-5)).

ترجمه: پیغمبر ج فرمود: «هرکس دو چیز را از یک نوع (مانند: گاو، گوسفند، شتر، اسب، لباس و سکه طلا و...) در راه خدا ببخشد، او را از درهای جنت به داخل بهشت دعوت می‌کنند و به او می‌گویند: ای بنده خدا! این عمل تو خیر بزرگی است.

کسی که از اهل نماز باشد از در نماز، کسی که از اهل جهاد باشد از در جهاد، کسی که از اهل روزه باشد از در روزه‌داران، و کسی که از اهل خیر و احسان باشد از در نیکوکاران دعوت می‌شود». ابوبکرس به پیغمبر ج عرض کرد: (اگر چه) کسی که از یک دروازه، صدا زده شود، نیازی ندارد (که از دروازه های دیگر او را صدا بزنند) ولی آیا کسی هست (که اینقدر احسان داشته باشد) که از همه‌ی این درها دعوت شود؟ پیغمبر ج فرمودند: «بلی، امیدوارم که شما یکی از آن‌ها باشید».

برادر و خواهر عزیزم! چرا یکی از این درهای بزرگ بهشت را برای ورود به آن انتخاب نکرده‌ای؟

و برای چه با توشه‌ای از تقوا و پرهیزگاری کلیدی برای دروازۀ جنت درست نکرده‌ای؟

پس تا وقتی که هنوز از عمرت زمانی باقی است، برای انجام اعمال نیکو و صالح شتاب کن، و عده‌ای مقبول برای تو است که بازگشتن به سوی الله برایت بسیار باارزش است، لذا تلاش کرده و عجله کن، و وقت و جوانیت را غنیمت شمار، زیرا در جوانی و زمانی که انجام عبادت برایت ممکن است، اگر تلاش نمائی بهره خواهی برد، در انجام اعمال خیر سرعت و شتاب نما، زیرا موت با سرعت از پشت سرت می‌آید، افسوس که با رسیدن مرگ جای فراری نیست.

بدان که کلید بهشت توحید الله رب العزت و قبول‌داشتن حقیقتِ لا إله إلا الله می‌باشد، رسول الله ج می‌فرماید: «مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ».

ترجمه: «کسی که از صدق دل بگوید: لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ هیچ معبودی برحق جز الله نیست، وارد بهشت می‌شود». از حسن بصری/ سؤال شد که بعضی از مردم می‌گویند، کسی که لا إله إلا الله گفت، داخل جنت شده است؟ فرمود: کسی که لا إله إلا الله را گفت و حق و فرائض آن را ادا نمود، داخل جنت می‌شود.

بنابراین، توحید الله تعالی کلید دروازه‌های ورود به بهشت است، و دندانه‌های این کلید اعمال صالحی مانند ادای فرائض با اخلاص، انجام واجبات و نوافل و سایر نیکی‌ها می‌باشد.

پس ای بنده خدا! عمل کن، زیرا مادۀ اولیۀ ساخت کلید جنت به راحتی در اختیار تو قرار دارد، و چگونگی ساخت و مهارت و روش درست‌کردن آن را برای تو به روشنی بیان نمودم، اگر از آن روی‌گردان شوی و از ساخت کلید دروازۀ ورود به جنت خودداری کنی، پس روز قیامت که برای حساب نزد پروردگار خودت برده می‌شوی، جز خودت کسی دیگر را ملامت نکن، از خداوند برای خود و شما عاقبت خیر و حسن ختام مسئلت می‌نمایم.

ساختمان‌ها و خاک بهشت

بناها و ساختمان‌ها و کاخ‌ها و ویلاهای بسیار بزرگ و مجللی بر روی این کره خاکی وجود دارد، ولی این بناها هراندازه با شکوه و بزرگ و از نظر زیبائی و دکوراسیون بی‌نظیر باشند، نمی‌توانند با کاخ‌ها و ساختمان‌های بسیار زیبائی که برای سکونت و آرامش مؤمنین در بهشت بنا شده، قابل مقایسه باشند و تنها شباهتی که باهم دارند در نام و اسم است، در بهشت چنان کاخ‌های مجلل و با شکوهی ساخته شده که چشم‌ها با دیدن عظمت و زیبائی آن‌ها خیره می‌شود، قصرهائی که مؤمن وقتی داخل آن می‌شود، به آرامش روحی و آسایش و آرامش ابدی می‌رسد و چشم‌هایش از زیبائی آن‌ها روشن و خنک می‌شود، چرا چنین نباشد! مگر نه این است که خداوند متعال چادرهای بسیار بزرگی از مروارید و قصرهائی باشکوه از طلا و نقره در بهشت بنا نموده و پرده‌های اطاق‌هایش از فاخرترین پارچه‌ها و همسران مؤمنین در آنجا از بهترین و زیباترین زنان و مردانش از جوانترین و خوش‌هیکل‌ترین مردان هستند؟ غذا‌های بهشت از لذیذترین غذاها و نوشیدنی‌هایش از گواراترین نوشابه‌هاست، چنان نعمت‌هائی در بهشت وجود دارد که نمونه‌هایش در این دنیا نیست و در فکر و اندیشۀ هیچ کسی خطور نکرده است.

اتاق‌‌های جنت

اما در مورد آراستگی و زیبائی فرش‌ها و دکوراسیون و زینت اطاق‌های جنت و استحکام بنا و منظرۀ معماری آن‌ها جای سؤال نیست، زیرا رسول خدا ج می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ مِنْ فَوْقِهِمْ كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ الدُّرِّىَّ الْغَابِرَ فِى الأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوِ الْمَغْرِبِ، لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تِلْكَ مَنَازِلُ الأَنْبِيَاءِ لاَ يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ، قَالَ: بَلَى، وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ، رِجَالٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ».

«ساکنان بهشت قصرنشینانی را که در بالای سر آنان نشسته‌اند نگاه می‌کنند، همانطور که به ستارگان تابناکی که در حال غروب در اُفق مشرق و مغرب هستند نگاه می‌نمایند، چون این قصرنشینان دارای مقام و درجات بالاتر از افراد عادی هستند، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! حتماً این قصرها منزل پیغمبران می‌باشند، غیر پیغمبران به چنین جاهایی نمی‌رسند؟: پیغمبر ج گفت: بلی، قسم به ذاتی که جان من در دست اوست! ساکنین این منازل کسانی هستند که به خدا ایمان دارند و فرستادگان خدا را تأیید کرده‌اند».

برادر و خواهر عزیزم! در مورد ارزش و منزلت اطاق‌های بهشت نه از جنبه‌های ظاهری و بلندی و درخشش آن‌ها، بلکه از نظر آرامش روحی و ابدی که در آن‌ها وجود دارد باید بگویم. آری، آن‌ها نشانه‌های عظمت خدا و پاداش جاویدانی است که پروردگار برای بندگان صالح و نیکوکار خود که در این دنیا به چیزهای غیبی ایمان آوردند و از گناه دوری کرده و نسبت به پروردگار کفر و شرک نورزیدند، در نظر گرفته است و مقام و منزلت آن‌ها را هم در این دنیا والا کرده و هم در آخرت در اطا‌ق‌های مجلل بهشت جای داده است.

برادر و خواهرم! دوست داری فرمودۀ خداوند را در این مورد برایت قراءت نمایم که می‌فرماید: ﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ ٱلۡمِيعَادَ ٢٠﴾ [الزمر: 20]. ترجمه: «ولى کسانى که از پروردگارشان ترسیدند، براى آنان غرفه‏هایى است که از فراز آن‌ها غرفه‏هایى دیگر بنا شده و از زیر آن‌ها نهرها جارى است. خدا این وعده را داده است خدا وعده خلافى نمى‏کند».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ألا يا عين ويحك أسعديني |  | بغزر الدمع في ظلم الليالي |
| لعلك في القيامة أن تفوزي |  | بخير الدار في تلك العلالي |

وای بر تو ای چشم من! مرا با ریختن اشک زیاد در تاریکی‌های شب خوشبخت و سعادتمند بگردان.

شاید در قیامت در آن خانه‌های خوب بهشت من را سرفراز و سربلند بگردانی.

ای بندۀ خدا! آستین مردانگی و همت را بالا بزن، زیرا نعمت‌های خداوند باارزش و گران‌قیمت هستند، بهای آن‌ها عبادت و تقوی و عمل نیک است، البته به دست‌آوردن این نعمت‌ها برای آنانی که خداوند به آن‌ها کرم و احسان نموده، سهل و آسان می‌باشد.

بنابراین، برای رسیدن به این پاداش بزرگ و کسب نعمت‌های جاویدان الهی از دیگران سبقت گیر، زیرا هر شخصی که احسان و نیکی‌های ابدی خداوند را که در کاخ‌ها و اطاق‌های بهشت هستند، با نعمت‌ها و خوشی‌های زودگذر و فانی این دنیا عوض نماید، بدون تردید انسانی نادان و ناآگاه است.

و خداوند می‌فرمایند: ﴿وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ٣٧﴾ [سبأ: 37]. ترجمه: «اموال و اولاد شما چیزهائی نیستند که شما را به ما (خداوند) نزدیک سازند، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، آنان (مقرب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده‌اند، پاداش دو برابر دارند. و ایشان در طبقات بالا (یعنی در برترین منازل بهشت) در امن و امان به سر می‌برند».

خیمه‌های بهشت

در جنت خانه‌هایی وجود دارد که از زیبایی می‌درخشند، همانطوری که اتاق‌های جنت مانند ستارگان روشن و درخشنده هستند، همچنین خیمه‌های بهشت نیز مانند مرواریدهای توخالی نورافشان هستند. رسول خدا ج می‌فرماید: «إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ فِى الْجَنَّةِ لَخَيْمَةً مِنْ لُؤْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ مُجَوَّفَةٍ، طُولُهَا سِتُّونَ مِيلاً، لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا أَهْلُونَ يَطُوفُ عَلَيْهِمُ الْمُؤْمِنُ فَلاَ يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا»([[6]](#footnote-6)).

ترجمه: پیامبر خدا ج می‌فرمایند: «به درستی که برای مؤمنان در بهشت چادرهای سایبانی هستند که جنس آن‌ها از مروارید توخالی است، طول آن‌ها به طرف آسمان شصت مایل می‌باشد، این چادرهای بزرگ مخصوص مؤمنین و اهل خانه او می‌باشد که به راحتی در آن رفت و آمد می‌کنند، ولی بعضی از آن‌ها یکدیگر را نمی‌بینند».

برادر و خواهرم! اندکی فکر کن! وقتی تو با عمل صالح خودت داخل چنین خیمه‌ای بشوی چقدر تعجب می‌کنی و چه اندازه سعادتمند خواهی شد، هنگامی که ساکن این خیمۀ بهشتی شوی در حالی که حوران بهشتی پیرامون تو باشند و تو به سخنان زیبا و آواز دلنشین آنان با لذت گوش می‌دهی و با آنان انس می‌گیری.

برادر و خواهر عزیزم! آگاه باش! و بدان که بهای ورود تو به بهشت و زندگی در خیمه‌های مجلل آن ایمانی است که همراه با تلسیم‌شدن در برابر اوامر پروردگار و با انجام عبادات خالص و اعمال خیر و ترک مفاسد و بندگی کامل خداوند داری.

برادر و خواهرم: بدان! هرگاه مؤمن از صمیم قلب نسبت به این دنیا بی‌میل باشد و به دنبال خواهش‌های نفسانی خود نرود و زر و سیم و تجملات این دنیا در نظر وی زیبا و مزین جلوه نکند، خداوند نعمت‌هایش را در بهشت به وی ارزانی می‌دارد.

کاخ‌های بهشت

اما قصرها و کاخ‌های بهشت که از طلا و نقره و مروارید و سنگ‌های گران‌قیمت ساخته شده‌اند، زیبائی و منظرۀ دل‌انگیزی دارند و ارزش آن‌ها را هیچکس به جز خداوند که آن‌ها را آفریده نمی‌داند.

رسول خدا ج می‌فرماید: «دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرٍ مِنْ ذَهَبٍ فَقُلْتُ: لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ قَالُوا: لِشَابٍّ مِنْ قُرَيْشٍ، فَظَنَنْتُ أَنِّى أَنَا هُوَ. فَقُلْتُ: وَمَنْ هُوَ؟ فَقَالُوا: عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ»([[7]](#footnote-7)).

ترجمه: «داخل جنت شدم، ناگهان متوجه شدم کنار قصری از طلا قرار گرفته‌ام، گفتم: این قصر از آنِ کیست؟ گفتند: برای جوانی از قریش، گمان کردم که آن جوان من باشم، گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: عمر بن خطاب است».

برادر و خواهر عزیزم! برای انجام عبادات، قبل از این که وقت و فرصت از دست برود، شتاب کن و به آن نعمت‌های بیکران و جاودانه‌ای که نزد الله تعالی در بهشت برین از باغات و غیره وجود دارد، رغبت داشته باش، زیرا دنیا لحظات و ساعاتی زودگذر بیش نیست، و تو مانند مسافر و رهگذری هستی که از این راه می‌گذری.

خاک بهشت

اما خاک جنت از مشک و زعفران، و سنگریزه و شن آن از دانه‌های سفید مروارید است.

از ابوسعید خدریس مرویست که گفت: رسول خدا ج به ابن صیاد فرمود:

«مَا تُرْبَةُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: دَرْمَكَةٌ بَيْضَاءُ مِسْكٌ يَا أَبَا الْقَاسِمِ. قَالَ: صَدَقْتَ»([[8]](#footnote-8)).

ترجمه: «خاک جنت از چیست؟ گفت: مانند آرد سبوس گرفته شده و مشک ای ابوالقاسم. رسول خدا ج فرمودند: «راست گفتی».

و همچنین در حدیثی دیگر از همین راوی مرویست که ابن صیاد از رسول خدا ج در مورد خاک جنت سوال کرد. قال «دَرْمَكَةٌ بَيْضَاءُ مِسْكٌ خَالِصٌ»([[9]](#footnote-9)).

فرمود: «از آرد سبوس گرفته شدۀ سفید و مشک خالص ساخته شده است».

برادر و خواهر بزرگوارم! اگر زندگی جاویدان و خوشی‌های فراوان و آن خانه‌ها و قصرهای زیبائی را که در بهشت برای تو ساخته شده، دوست داری، پس نفس خود را بر فرمانبرداری از دستور خداوند و پرهیز از هرگونه گناه و فساد و ادای نماز، روزه و بلندشدن (برای عبادت) در شب‌های تاریک عادت بده!

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فما هي إلا ساعة ثم تنقضي |  | ويدرك غبّ السير من هو صابر |

روزهای دنیا چند ساعتی بیش نیستند که زود سپری خواهند شد، و کسی که بردبار باشد، نتیجۀ سیر و گذر خود را خواهد دید.

باغ‌ها و ثمره‌های بهشت

چون طبیعت بشر با آب و باغ و درخت و سبزه و گل محبت فراوانی دارد و همواره دوست دارد کنار و نزدیک آن‌ها زندگی کند، خداوند متعال بهشت را براساس طبیعت و خواست بشر با این نعمت‌ها مزین و آراسته ساخته است، با بهترین درختان و انواع ثمره و میوه‌ها و نهرهای جاری و چشمه‌های آب شیرین که با دیدن آن‌ها چشم بندگان صالح خدا خنک خواهد شد، بهشت را با این لباس آراسته است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ٤٥﴾ [الحجر:45].

ترجمه: «بیگمان پرهیزکاران در میان باغ‌ها و چشمه سارهای (بهشت) به سر می‌برند».

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦﴾ [الإنسان: 5 – 6].

ترجمه: «همانا نیکان همواره از جامى مى‏نوشند که نوشیدنى‏اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است \* از چشمه‏اى که بندگان خاص خدا از آن مى‏نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جارى مى‏سازند!».

بعضی از علمای سلف گفته‌اند: همراه آن‌ها شاخه‌هائی از آهن نرم است که به هرجا می‌روند با آن‌ها به همان طرف می‌روند([[10]](#footnote-10)).

برادر و خواهرم! اکنون نظر تو در مورد آن گروه از انسان‌ها که به راه نجات گام نهاده و به واسطۀ عبادت و بندگی و فرمانبرداری از دستورات پروردگار پس‌اندازی برای آخرت خود نهاده‌اند و تقوی الهی را پیشه کرده‌اند، و خداوند آن‌ها را وارث بهشت برین که هر لحظه چشمه‌های آب گوارایش که گاهی آمیخته با کافور و گاهی آمیخته با زنجبیل است، فواره می‌زند و خوشبو است؛ چیست؟

آیا دوست نداری تو هم جزو گروهی از مؤمنین باشی که عمر جاویدان پس از مرگ را در چنین بهشت زیبائی می‌گذرانند؟

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ١٧ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا ١٨﴾ [الإنسان: 17 – 18] ترجمه: «در آنجا (در جنت) از جام‌های شرابی به ایشان (اهل بهشت) می‌دهند که طعم آن زنجبیل است، (این جام‌ها پر می‌شوند از) چشمه‌ای که در بهشت است و سلسبیل نامیده می‌شود».

و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ٤٥ ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ٤٦﴾ [الحجر: 45 – 46].

ترجمه: «بیگمان پرهیزگاران در میان باغ‌ها و چشمه سارهای (بهشت) بسر می‌برند \* (پروردگارشان به آنان می‌گوید:) با اطمینان خاطر و بدون هیچگونه خوف و هراسی به این باغ‌ها و چشمه سارها داخل شوید».

بنابراین، برادر عزیز و خواهر گرامی! نیکی و خوبی کن! خداوند هم با تو به خوبی و احسان رفتار خواهد نمود، راه بهشت را با راستی و اخلاص و انجام اعمال صالح هموار ساز، خداوند از چشمه سارهای جنت و نوشیدنی‌های آن تا ابد تو را سیراب می‌گرداند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| صفي المقرب سعيه فصفا له |  | ذاك الشراب فتلك تصفيتان |

بنده و ولی برگزیده کوشش خالصانۀ خود را انجام داد، در نتیجه دو چیز با صفا برای وی گوارا شد، یکی صفای عمل و دیگری صفای شراب بهشت.

چشمه سارهای بهشت

در بهشت دو چشمۀ گوارا فواره می‌زنند: اولین چشمه، چشمۀ کافور است (کافور ماده‌ای است خوشبو و سفیدرنگ) که خداوند در بارۀ آن می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦﴾ [الإنسان: 5 - 6].

ترجمه: «به درستی که نیکان (در بهشت) پیاله‌های شرابی را سر می‌کشند و می‌نوشند که آمیخته به کافور است، (این پیاله‌ها پر می‌شود از) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند، و هرجا که بخواهند با خود روان می‌کنند و می‌برند».

آری، برگزیدگان و نزدیکان بارگاه پروردگار از آب خالص این چشمه می‌نوشند و نیکوکاران اندکی از آب این چشمه را با آب‌های گوارای دیگر مخلوط کرده و می‌نوشند، زیرا آب خالص چشمۀ کافور مخصوص مقربان درگاه خداست. دومین چشمه، چشمۀ تسنیم است که خداوند متعال در مورد آن می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٢ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٢٣ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ٢٤ يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ٢٥ خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ٢٦ وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسۡنِيمٍ ٢٧ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢٨﴾ [المطففين: 22 – 28].

ترجمه: «بیگمان نیکوکاران در میان انواع نعمت‌های فراوان بهشت به سر خواهند برد \* بر تخت‌های مجلل (بهشتی) تکیه می‌زنند و (به زیبائی‌ها و احسان‌های بسیار آنجا) می‌نگرند \* (هرگاه به ایشان نگاه می‌کنی) خوشی و خرمی و نشاط و شادابی نعمت را در چهره‌های ایشان خواهی دید \* به آنان از شرابی زلال و خالص نوشانیده می‌شود که دست نخورده و سربسته است \* مُهر و در بند آن از مشک است (و با دست‌زدن به آن بوی عطر مشک در فضا پراکنده می‌شود). مسابقه‌دهندگان باید برای به دست‌آوردن این (چنین شراب و سایر نعمت‌های بهشت) با همدیگر مسابقه دهند و بر یکدیگر پیشی گیرند \* آمیزۀ آن تسنیم است \* تسنیم چشمه‌ای است که مقربان (بارگاه یزدان) از آن می‌نوشند».

نهرهای جنت

در میان آن همه کاخ‌ها و قصرهای زرین و سایبان‌های گسترده و شگفت‌انگیز بهشت جویبارهای آب شیرین و گوارائی جریان دارد که خداوند متعال آن‌ها را برای استفاده و لذت‌بردن بندگان مؤمن و مخلص خود آفریده است، نهرهای جنت بر حسب نوع آبی که در آن‌ها جریان دارد، مختلف هستند، بعضی پر از عسل و برخی آکنده از شراب و تعدادی نیز از شیر، و دیگر نعمت‌های پروردگار مملو و جاری هستند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ﴾ [محمد: 15].

ترجمه: «وصف بهشتی که (از سوی پروردگار) به پرهیزکاران وعده داده شده است (چنین است که) در آن جویبارهائی از آبی (زلال و خالص) است که گندیده و بدبو نشده است، و (در بهشت) نهرهائی از شیری است که طعم و مزۀ آن دگرگون نشده است، و نهرهائی از شرابی است که سراپا لذت برای نوشندگان است، و جوی‌هائی از عسل است که خالص و تصفیه شده است».

آبی که در نهرهای این دنیا وجود دارد بر اثر راکدشدن فاسد و رنگش عوض می‌شود، اما آب زلال و گوارای چشمه سارها و جویبار‌های بهشت هرگز بدبو و آلوده نمی‌شود، همچنین شیر حیوانات این دنیا هرچقدر هم جوشانیده و پاستوریزه شود و در هرنوع بسته‌بندی نگهداری شود، پس از مدتی فاسد و غیر قابل استفاده می‌شود، اما شیر موجود در نهرهای بهشت هرگز فاسد و غیر قابل شرب نمی‌شود.

شراب این دنیا که نوشیدن آن به علت زیان‌های جسمی و روحی که برای انسان دارد حرام شده، گرچه با دستگاه‌های مدرن و به شیوه‌های بهداشتی و در بسته بندی‌های زیبا تهیه می‌شود، بازهم بد طعم و بدبو است، اما شراب بهشت که نوشیدن آن برای ساکنان بهشت حلال می‌باشد، شرابی بسیار پاک و گواراست که به انسان قدرت جسمی و روحی می‌دهد و اهل جنت هرچه از آن می‌نوشند بازهم سیر نمی‌شوند، عسل این دنیا را با موادی دیگر مانند شکر و شیرینی‌ها مخلوط کرده و می‌خورند، اما عسل موجود در نهرهای جاری بهشت چنان خالص و لذیذ هستند که نیاز به مخلوط‌کردن با چیزی ندارند.

آری، خداوند نمونه‌هائی بسیار اندک از آنچه که بهترین و حلال‌ترین آن‌ها را در بهشت و برای اهل جنت آماده نموده به ما نشان داده، و بسیاری از چیزهائی را که استفاده از آن‌ها را در این دنیا حرام قرار داده، در آن دنیا برای بندگان مؤمن و صالح خودش حلال نموده است.

انسان عاقل و دانا چگونه راضی می‌شود که لذات ناقص و فانی و زودگذر این دنیا را بر نعمت‌های بیکران خداوند در آن دنیای ماندگار ترجیح دهد؟ به درستی که چشم‌های بعضی از مردم نابینا نمی‌شود، ولی دل‌هائی که در سینه دارند تاریک و سیاه می‌شود.

رسول خدا ج به ما خبر داده است که در شب معراج چهار نهر را که از سرچشمه‌های خود جاری بوده‌اند، مشاهده نموده‌اند: (نهرهای ظاهری و نهرهای باطنی) و چنین فرموده‌اند:

«فَقُلْتُ: يَا جِبْرِيلُ! مَا هَذِهِ الأَنْهَارُ؟ قَالَ: أَمَّا النَّهْرَانِ الْبَاطِنَانِ فَنَهْرَانِ فِى الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الظَّاهِرَانِ فَالنِّيلُ وَالْفُرَاتُ»([[11]](#footnote-11)).

ترجمه: «گفتم ای جبرئیل! این جویبارها چه هستند؟ گفت: (و نهرهایی از آنها)، یعنی دو نهر باطن، نهرهای جنت بودند، و دو نهر ظاهری، نهرهای نیل و فرات می‌باشند».

برادر و خواهرم، در مورد جویبارها و نهرهای با شکوه که لذات بی‌شماری در آن‌ها وجود دارد که نمونۀ آن در این دنیا دیده نمی‌شود؛ بیاندیش و فکر کن که آن‌ها چگونه به قدرت پروردگار بدون کانال در زیر کاخ‌ها و قصرها و ساختمان‌های بهشت جریان دارند، و یقین داشته باش که وعدۀ پروردگار حق است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾ [البقرة: 25] ترجمه: «مژده بده به کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار نیکو انجام داده‌اند، به این که برای ایشان باغ‌هائی (در بهشت) است که در زیر درختان آن رودخانه‌هائی جاری است».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٠٠﴾ [التوبة: 100] ترجمه: «و خداوند بهشت را برای آن‌ها آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ».

و خداوند متعال ضمن بیان پاداش کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، می‌فرماید: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾ [الکهف: 31] ترجمه: «اما (کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند) کسانی هستند که بهشت جاویدان از آن ایشان است، بهشتی که در زیر (خاک‌ها و درختان) آن جویبارها روان است».

اما کوثر، جویی از جویبارهای بهشت است که خداوند متعال آن را به رسول الله ج عطا فرموده‌اند: ﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ ١﴾ [الکوثر: 1].

ترجمه: «ما به تو (ای محمد!) خیر و خوبی به نهایت فراوانی را عطا کرده‌ایم».

انس بن مالک روایت کرده است که رسول خدا ج فرمود: «بَيْنَمَا أَنَا أَسِيرُ فِى الْجَنَّةِ إِذَا أَنَا بِنَهَرٍ حَافَتَاهُ قِبَابُ الدُّرِّ الْمُجَوَّفِ قُلْتُ: مَا هَذَا يَا جِبْرِيلُ؟ قَالَ: هَذَا الْكَوْثَرُ الَّذِى أَعْطَاكَ رَبُّكَ . فَإِذَا طِينُهُ - أَوْ طِيبُهُ - مِسْكٌ أَذْفَرُ»([[12]](#footnote-12)).

ترجمه: «در حالی که (در شب معراج) من در جنت قدم می‌زدم، ناگهان به ساحل نهری رسیدم که در کنار آن لیوان‌هائی از مروارید تو خالی قرار داشت: از جبرئیل پرسیدم: این چیست؟ گفت: این کوثر است که خداوند آن را به تو بخشیده است».

آنگاه متوجه شدم که خاک آن مانند مشک خوشبو و معطر است.

از ابوهریرهس روایت شده که گفت: رسول خدا ج فرمود: «إِنَّ فِى الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِى سَبِيلِهِ، كُلُّ دَرَجَتَيْنِ مَا بَيْنَهُمَا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ، فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ، فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ، وَفَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ، وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ»([[13]](#footnote-13)).

ترجمه: «همانا جنت دارای صد قسمت است که خداوند آن‌ها را برای مجاهدان در راه خدا آماده کرده است، و فاصله میان هردو قسمت به انازۀ فاصله‌ی بین آسمان و زمین می‌باشد، وقتی بهشت را از خداوند طلب کردید، جایگاه فردوس را بخواهید، زیرا آن جایگاه اعلی‌ترین مکان جنت و میانه‌ی آن می‌باشد که در بالای آن عرش رحمن قرار دارد، و از آن نهرهای جنت سرچشمه می‌گیرند».

همچنین رسول خدا ج خبر داده است که این نهرها از چهار دریا سرچشمه می‌گیرند.

می‌فرماید: «إِنَّ فِى الْجَنَّةِ بَحْرَ الْمَاءِ وَبَحْرَ الْعَسَلِ وَبَحْرَ اللَّبَنِ وَبَحْرَ الْخَمْرِ ثُمَّ تُشَقَّقُ الأَنْهَارُ بَعْدُ»([[14]](#footnote-14)).

ترجمه: «همانا در جنت دریای عسل، دریای شراب، دریای شیر و دریای آب موجود است که نهرها از آن‌ها جاری می‌شوند».

پس ای برادر و خواهرم! آستین همت را بالا بزن، زیرا جنت حقیقت و راه آن آشکار و روشن و نعمت‌هایش واقعی و راست می‌باشند.

طبقات بهشت

برادر و خواهر بزرگوارم! خداوند جنت را خلق کرد و بندگان صالح خود را وارث آن گردانید، و آنان را بر حسب اندازۀ اعمال‌شان از نظر فضیلت و منزلت، متفاوت ساخت، به همین علت بهشت دارای طبقات مختلف است که بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر فضیلت و برتری دارند که همۀ آن نشانه‌های فضل و عدل پروردگار نسبت به بندگان می‌باشد، تا هر مؤمنی که برای داخل‌شدن به بهشت و برخورداری از نعمت‌های جاویدان آن، اشتیاق و علاقه‌مندی دارد برای رسیدن به طبقات بالای آن سعی و تلاش بیشتری نموده و کمر همت را محکم‌تر ببندد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ ٧٥﴾ [طه: 75].

ترجمه: «و هرکه با ایمان و عمل صالح به پیش پروردگارش برود، چنین کسانی دارای مراتب والا و منازل بالا هستند».

بنابراین، داشتن ایمان و یقین کامل و انجام اعمال صالح راه‌رسیدن به فردوس را آسان می‌کند، پس ای برادرم و خواهرم! هر زمان که ایمان تو به سرحد کمال رسید و برای استمرار اعمال صالح استقامت و پایداری داشته باشی، مقام و منزلت تو نزد خداوند متعال بالا خواهد رفت و جایگاه تو در طبقات بلند و والای جنت خواهد بود، زیرا درجات مؤمنین در بهشت بر حسب اندازۀ اعمال آن‌ها در این دنیا متفاوت است، بعضی در بالا و بعضی در پائین هستند.

خداوند سبحان در قرآن مجید در این مورد می‌فرماید: ﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا ١٨ وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ١٩ كُلّٗا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا ٢٠ ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا ٢١﴾ [الإسراء: 18 – 21].

ترجمه: «آن کس که (تنها) زندگى زودگذر (دنیا) را مى‏طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم- و به هر کس اراده کنیم- مى‏دهیم سپس دوزخ را براى او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش مى‏سوزد در حالى که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. \* و آن کس که سراى آخرت را بطلبد، و براى آن سعى و کوشش کند- در حالى که ایمان داشته باشد- سعى و تلاش او، (از سوى خدا) پاداش داده خواهد شد. \* هر یک از این دو گروه را از عطاى پروردگارت، بهره و کمک مى‏دهیم و عطاى پروردگارت هرگز (از کسى) منع نشده است. \* ببین چگونه بعضى را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضى دیگر برترى بخشیده‏ایم درجات آخرت و برتری‌هایش، از این هم بیشتر است! (و تفاوت‌ها و فاصله‌ها بیشتر است؛ چرا که آنجا سرای جاویدان است و بهشت در حالت عظیم آن در میان است. پس ای انسان! برای آن به مسابقه بپرداز و شبانه روز بکوش)».

در این آیه‌ها خداوند سبحان بیان می‌فرماید که اهل بهشت و آخرت بیشتر از اهل دنیا بر یکدیگر فضیلت و برتری دارند و مرتبۀ آخرت بیشتر از جایگاه و رتبۀ این دنیا می‌باشد([[15]](#footnote-15)).

برادر و خواهر بزرگوارم، بدان که فضیلت باغ‌ها و بوستان‌ها و نعمت‌های بهشت در فضیلت و برتری خوبی‌ها، کاخ‌ها و قصرها، درختان و میوه‌ها و زنان و همسران اهل بهشت است، خداوند می‌فرماید: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾ [الرحمن: 36].

ترجمه: «پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟» بعد از تعریف آن‌ها فرمود: ﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ٦٢﴾ [الرحمن:62].

ترجمه: «و جز [این‏] دو [باغ‏]، دو باغ دیگر است‏».

یعنی: باغ‌های بعدی از نظر مقام و منزلت و آراستگی از دو باغ و دو جنت قبلی در درجۀ کمتری قرار دارند.

اما در مورد میوه‌های بهشت، در دو آیۀ قبلی می‌فرماید: ﴿فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٖ زَوۡجَانِ ٥٢﴾ [الرحمن: 52].

ترجمه: «در آن دو [باغ‏] از هر میوه‏اى دو نوع هست‏».

خداوند متعال در آیۀ مزبور بیان کرده که برای هر نوعی از میوه‌ها دو شکل و دوگونۀ متفاوت وجود دارد، اما در بیان اوصاف دو باغ و دو جنت آخری به معرفی میوه می‌پردازد، با ذکر نوع آن‌ها، چنان که می‌فرماید: ﴿فِيهِمَا فَٰكِهَةٞ وَنَخۡلٞ وَرُمَّانٞ ٦٨﴾ [الرحمن: 68].

ترجمه: «در آن باغ‌ها، (انواع) میوه‌ها و (از جمله) خرما و انار است».

اما در مورد اثاثیۀ ساختمان‌های بهشت می‌فرماید: ﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۢ بَطَآئِنُهَا مِنۡ إِسۡتَبۡرَقٖۚ﴾ [الرحمن: 54].

ترجمه: «اهل بهشت بر فرش‌هائی تکیه می‌زنند و لم می‌دهند که آسترهای آن‌ها از ابریشم ضخیم است، و میوه‌های رسیدۀ باغ‌های بهشت نزدیک و در دسترس آن‌ها است».

و در آیۀ دیگری می‌فرماید: ﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ عَلَىٰ رَفۡرَفٍ خُضۡرٖ وَعَبۡقَرِيٍّ حِسَانٖ ٧٦﴾ [الرحمن: 76] ترجمه: «اهل بهشت بر بالش‌های نگارین گرانبهای سبزرنگ تکیه می‌زنند و بر فرش‌های نقش‌دار بی‌مانند بسیار زیبا لم می‌دهند».

هیچگونه تردیدی وجود ندارد که فرش‌های بافته‌شده از زخرف و استبرق را عبقری بهترند.

همچنین خداوند متعال به معرفی حوران بهشتی و سرسبزی و شادابی باغ‌های بهشت چنان که در آیات قرآن مجید آمده، پرداخته و آن‌ها را تعریف و تمجید نموده است.

آری، این همه فضیلت و برتری و شأن و شوکت فقط به سبب دلداری و دلجوئی بندگان مؤمن صالح و نیک خداوند و پاداشی که در اثر زندگی پربار در این دنیا و تحمل سختی‌ها و مشقاتی که در راه پروردگار به آن‌ها رسیده، برایشان درنظر گرفته شده است، و همچنین پاداشی است برای کسانی که در مقابل ناملایمات این دنیا صبر نموده‌اند، و در میان بی‌دین‌ها و اهل دنیا تنها و بی‌کس زندگی کرده و بر کتاب خدا و پایبندی به سنت رسول الله ثابت‌قدم و استوار بوده‌اند.

از جمله احادیثی که بر تفاوت درجات اهل جنت دلالت می‌نماید، حدیث مغیره بن شعبهس می‌باشد که می‌گوید: رسول خدا ج فرمود: «سَأَلَ مُوسَى رَبَّهُ مَا أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ يَجِىءُ بَعْدَ مَا أُدْخِلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، فَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ. فَيَقُولُ: أَىْ رَبِّ، كَيْفَ وَقَدْ نَزَلَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ وَأَخَذُوا أَخَذَاتِهِمْ؟ فَيُقَالُ لَهُ: أَتَرْضَى أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلُ مُلْكِ مَلِكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُ: رَضِيتُ رَبِّ. فَيَقُولُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ. فَقَالَ فِى الْخَامِسَةِ: رَضِيتُ رَبِّ. فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَعَشَرَةُ أَمْثَالِهِ وَلَكَ مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ وَلَذَّتْ عَيْنُكَ. فَيَقُولُ: رَضِيتُ رَبِّ. قَالَ: رَبِّ فَأَعْلاَهُمْ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: أُولَئِكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ غَرَسْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِى وَخَتَمْتُ عَلَيْهَا فَلَمْ تَرَ عَيْنٌ وَلَمْ تَسْمَعْ أُذُنٌ وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ. قَالَ: وَمِصْدَاقُهُ فِى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (فَلاَ تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِىَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ)»([[16]](#footnote-16)).

ترجمه: «موسی÷ از پروردگارش سؤال نمود که در پائین‌ترین مرتبۀ اهل بهشت چه کسی است؟ فرمود: آن مردیست که بعد از واردشدن اهل بهشت به بهشت می‌آید و به او گفته می‌شود که به بهشت وارد شو، می‌گوید: ای پروردگارم! چگونه وارد شوم که مردم به جایگاه‌های خویش فرو آمده و جا گرفته‌اند؟ و به او گفته می‌شود: آیا راضی می‌شوی که مانند سلطانی، پادشاهی شاهان دنیا به شما داده شود؟ می‌گوید: پروردگارا! راضی شدم. پس می‌فرماید: برای تو آن است و مانند آن و مانند آن و مانند آن و مانند آن و بار پنجم می‌گوید: پروردگارا! راضی شدم. سپس می‌فرماید: برای تو آنست و ده برابرش. و برای توست آنچه که دلت آرزو نموده و به چشمت لذت بخش می‌آید. می‌گوید: راضی شدم. (موسی) گفت: پروردگارم! پس در بالاتین مرتبه چه کسانی هستند؟ می‌فرمایند: آن‌ها کسانی‌اند که نهال کرامت‌شان را که به دست خویش نشاندم و برآن مُهر زدم، پس چشمی ندیده و گوشی نشنیده و در اندیشۀ بشری خطور ننموده است.

و مصداق این روایت در کتاب خداوند موجود است که می‌فرماید: «هیچ کس نمى‏داند چه پاداش‌هاى مهمّى که مایه روشنى چشم‌هاست براى آن‌ها نهفته شده‏»».

بنابراین، بهشت و طبقات و مرتبه‌های بلند و جایگاه‌های شایسته اش، برای کسی که دارای اندیشه‌ای بینا، و گوشی شنوا باشد آماده شده‌اند. قسم به ذات یگانه الله که رقابت برای به دست‌آوردن این همه نعمت‌های جاویدان در انجام طاعات و عبادات مورد ستایش و قبول خداوند می‌باشد، و برای رسیدن به آن خوبی‌ها، لازم است که انسان‌های مؤمن با یکدیگر در کارهای خوب و اعمال شایسته مسابقه بدهند.

پس کجا هستند آن اشخاص نیکوکار و طالبان مرتبه‌های بلند که به این مسابقۀ بزرگ و مهم دعوت شده‌اند؟ در حالی که هنگام سفر فرا رسیده است([[17]](#footnote-17)).

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وإذا كانت النفوس كبارا |  | تعبت في مرادها الأجسام |

وقتی نفس‌ها بزرگ باشند، جسم‌ها به دنبال هدف و آرزوهای آن خسته خواهند شد.

برادر و خواهر گرامی! فکر نکن که این همه نعمت‌های ارزشمند و جاویدان بهشت با خوشگذرانی و راحت‌طلبی به دست خواهند آمد، خیر!: راه رسیدن به آن‌ها دشوار و سخت و جاده آن طولانی و دراز است و دروازه آن با انجام کارهای دشوار که بر نفس گران و سنگین تمام می‌شود، احاطه شده است. بنابراین، در عین حال که راه‌رسیدن به بهشت بسیار آسان است، هیچکس نمی‌تواند این مسیر دشوار را طی نماید، مگر شخصی که با ایمان کامل و اخلاص عمل کمر همت را محکم ببندد و از انجام هیچ عمل خیر و نیکوئی دریغ نورزد، بلکه از جان و مال خودش نیز بگذرد تا به بهشت و نعمت‌های بی‌پایانش برسد.

رسول خدا ج می‌فرماید: «حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ»([[18]](#footnote-18)) ترجمه: «جنت با کارهای دشوار و جهنم با خواهش‌های نفسانی پوشیده شده است».

والاترین مقام و منزلت جنت (وسیلة) است و آن مقامی است بسیار والا که به حکم الله به نبی ما محمد ج عطا شده است، رسول خدا ج می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَىَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَىَّ صَلاَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِىَ الْوَسِيلَةَ، فَإِنَ مَنْ سَأَل اللّه لِىَ الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ»([[19]](#footnote-19)).

ترجمه: «هرگاه صدای اذان را از مؤذن شنیدید، پس مثل آنچه او می‌گوید، بگویید. سپس بر من درود و صلواة بفرستید، زیرا هرکسی که بر من درود بفرستد، خداوند بر او ده مرتبه رحمت نازل می‌کند، بعد، از خداوند برای من وسیله را سؤال کنید، زیرا کسی که از خداوند برای من وسیله را طلب کند، شفاعت من برای او حلال خواهد شد.

رسول الله ج به ما خبر داده است که شهدای در راه خدا کسانی هستند که آن درجات بلند را در بهشت به دست می‌آورند، چنانکه می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي الصَّفِّ الأَوَّلِ، وَلاَ يَلْتَفِتُونَ وُجُوهَهُمْ حَتَّى يُقْتَلُوا، أُولَئِكَ يَتَلَبَّطُونَ فِي الْغُرَفِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ، يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ، فَإِذَا ضَحِكَ رَبُّكَ إِلَى عَبْدٍ فِىْ مَوْطِنٍ فَلا حِسَابَ عَلَيْهِ»([[20]](#footnote-20)).

ترجمه: «افضل‌ترین شهداء کسانی می‌باشند که در صف اول، جهاد می‌نمایند، و روی خود را از جهاد برنمی‌گردانند، تا این که کشته شوند، و آن‌ها روی خود را متوجه جنگ خواهند نمود تا کشته شوند، و آن‌ها در کاخ‌های بلند جنت جای داده می‌شوند، و خداوند به چهرۀ آنان تبسم می‌نماید و کسی که خداوند با او در جایی بخندد بر او هیچ حسابی نخواهد بود».

ای بندۀ خدا! می‌توانی تصور کنی که خداوند عزیز مقام و منزلت تو را در بهشت مانند انبیاء و شهداء بلند و رفیع گردانیده است؟ و این از توان خداوند قادر و بزرگ خارج نیست، اگر تو با خداوند صادق باشی و دعوت داعی او را اجابت کنی هنگامی که می‌فرماید: ﴿يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ ٣٩ مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَاۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٤٠﴾ [المؤمن: 39 – 40].

ترجمه: «ای قوم من! این حیات دنیوی کالای ناچیزی (و توشۀ اندکی و خوشی آنی) است. و آخرت سرای ماندگاری و استقرار است \* هرکس عمل ناشایستی انجام دهد، (در آخرت) جز به همان اندازه کیفر داده نمی‌شود، ولی هرکس کار خوبی انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن – به شرط این که مؤمن باشد – چنین کسانی به بهشت می‌روند و در آنجا نعمت و روزی به ایشان بدون حساب و کتاب عطا می‌گردد».

درختان و میوه‌های بهشت

و از جمله‌ی نعمت‌های جاویدان بهشت، انبوه درختان و فراوانی میوه‌ها و ثمره‌ها و پرندگان گوناگون آن می‌باشد، قدر و ارزش درختان جنت را کسی جز خالق و آفریننده آن نمی‌داند، درختان میوه آن، دارای شاخه‌های زیاد و ساقه و ریشه‌های طولانی می‌باشند که خداوند آن‌ها را زیبایی بی‌نظیر و شگفت‌انگیزی عطا نموده است، رنگ‌های آن بسیار دل‌انگیز و درای ظاهری تازه و سایه‌هایی طویل و میوه‌های شیرین می‌باشند که مانند آن بر هیچ فکری خطور نکرده و نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده است.

برادر عزیز و خواهر گرامی، چنین تصور کن که صاحب یکی از آن درخت‌های زیبا و پرثمر بهشت هستی، چقدر خوشحال و مسرور خواهی شد؟

درختان جنت بسیار زیاد و متنوع و گوناگون می‌باشند، بعضی از آن‌ها انار، بعضی انگور، بعضی سدر و بعضی دیگر موز هستند، خواننده گرامی تصور نکن که میوه‌های بهشت مانند میوه‌های فانی این دنیا می‌باشند، بلکه میوه‌های بهشت تنها در اسم با میوه‌های این دنیا مشابهت دارند، چنانکه از ابن عباسب نیز بر این موضوع تأکید نموده است.

اما شکل و رنگ و طعم و مزه آن‌ها را کسی جز خالق آن‌ها نمی‌داند.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣١ حَدَآئِقَ وَأَعۡنَٰبٗا ٣٢﴾ [النباء: 31 – 32].

ترجمه: «بى‌گمان پرهیزگاران کامیابى دارند \* باغ‌ها و درختان انگور».

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٩﴾ [الرحمن: 69].

ترجمه: «پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌نمایید؟!».

همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ ٢٧ فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ ٢٨ وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ ٢٩ وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ ٣٠ وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ ٣١ وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ ٣٢﴾ [الواقعة: 27 – 32].

«سمت راستی‌ها! (سعادتمندان) چه سمت راستی‌هائی؟! (اوصاف مواهب و نعمت‌هایشان در بیان نمی‌گنجد) در (سایۀ درخت) سدر بی‌خار آرمیده‌اند، در سایۀ درختان موزی به سر می‌برند که میوه‌هایش روی هم ردیف و چین و چین افتاده است، و در میان سایه‌های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده‌اند) و در کنار آبشارها و آب‌های روان به سر می‌برند که زمزمۀ آن گوش جان را نوازش می‌ دهد و منظرۀ آن چشم انسان را روشنی می‌بخشد، و در میان میوه‌های فراوان هستند».

آری، سِدر جنت بدون شاخه‌های تیز و خار است، و موز آن ردیف و روی هم چیده و مهیا و آماده خوردن می‌باشد، و به هیچ خستگی و زحمتی نیاز ندارد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا طيب‌ هاتيك الثمار وغرسها |  | في المسك ذاك الترب للبستان |
| وكذلك الماء الذي يسقي به |  | يا طيب ذاك الورد للظمآن |

ترجمه: ای طیب! بیائید بنگرید، پاکیزگی و بوی خوش میوه‌ها و درختانی را که خاک آن خاک خوشبوی بهشت است.

و پاکیزگی آبی را که با آن آبیاری شده‌اند و زلال آب چشمه‌ای را که تشنگان می‌نوشند.

پس کدام نعمت بهتر از این نعمت‌هاست؟ و کدام تجارت سودمندتر از این تجارت است؟

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فيا أيها القلب الذي ملك الهوى |  | أزمته حتى متى ذا التلوم |
| وحتامَ لا تصحو وقد قرب المدى |  | ودانت كؤس السير والناس نوم |
| أهذا هو الربح الذي قد كسبته! |  | لعمرك لا ربح ولا الأصل يسلم |

ترجمه: پس ای قلبی که خواهش‌ها تو را در کنترل خود درآورد! تا کی ملامت و جا پیشه می‌کنی!؟.

و تا چه هنگام از خواب غفلت بیدار نمی‌شوی؟! وقت رفتن و کوبیدن طبل سفر فرا رسیده و مردم هنوز در خوابند.

آیا این همان فایده‌ای است که تو آن را کسب کرده‌ای؟ سوگند به زندگانی تو که اصل و سود هردو سالم نمی‌مانند.

پس برادر و خواهر گرامی! این لحظات باقیمانده عمر خود را برای انجام اعمال صالح و کارهای نیک غنیمت بشمار، و مواظب باش! دنیا تو را فریب ندهد، زیرا این دنیا و آنچه در آن است، مانند ابر تابستانی است که زود از بین می‌رود، و راه اهل تقوا را پیش گیر تا از میوه‌های فراوان جنت بهره‌مند شوی، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ٥١﴾ [ص: 51].

ترجمه: «در آنجا (راحت و آسوده بر تخت‌ها) تکیه می‌زنند و میوه های فراوان و نوشیدنی‌های زیادی را می‌طلبند».

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ٢٠﴾ [الواقعة: 20].

ترجمه: «(نوجوانان بهشتی برای آنان می‌گردانند) هرنوع میوه‌ای را که برگزینند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ ٤١ وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ ٤٢﴾ [المرسلات: 41 – 42].

ترجمه: «پرهیزگاران در زیر سایه‌ها و در کنار چشمه سارانند و در میان میوه‌هائی که بخواهند و آرزو کنند».

میوه‌های جنت میوه‌هایی خوشمزه هستند که هرگز فاسد نمی‌شوند، درختان جنت همواره پرثمر و سرسبز و در هرحال دارای سایه‌های طولانی می‌باشند.

شکل و اندازه میوه‌های بهشت مشابه هم هستند، به جز این که طعم و مزه آن‌ها باهم متفاوت است و این بر اثر ظرافت و دقت بکار گرفته شده در به ثمر رسانیدن و پخته‌شدن آن‌ها است که نشانۀ قدرت پروردگار در خلقت آن‌هاست. خداوند می‌فرماید: ﴿كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗا﴾ [البقرة: 25].

ترجمه: «هرگاه بعضی از میوه‌های آن (بهشت) به ایشان (اهل جنت) عطا شود، می‌گویند: پیشتر این (نعمت) نصیب ما شده بود، و همسان آن را آورده‌اند. (چه چنین میوه‌هائی در جنس و شکل یکی بوده، ولی طعم و مزه جداگانه‌ای دارند)».

و در میان درختان بهشت چنان درختانی هستند که سایۀ آن‌ها این قدر طولانی است که یک شخص سوار اگر به مسافت یکصد سال در زیر سایه آن راه برود، مسافت آن تمام نمی‌شود.

رسول خدا ج می‌فرماید: «إِنَّ فِى الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَسِيرُ الرَّاكِبُ الْجَوَادَ الْمُضَمَّرَ السَّرِيعَ مِائَةَ عَامٍ مَا يَقْطَعُهَا»([[21]](#footnote-21)).

ترجمه: «در بهشت درختی وجود دارد که اسب سوار، اسب تیزروی خود را صدسال در سایۀ آن می‌راند، ولی نمی‌تواند مسافت آن را به پایان برساند».

و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ ٣٠﴾ [الواقعة: 30].

ترجمه: «و (اهل بهشت) در میان سایه‌های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده‌اند)» و از جملۀ این درختان جنت، درختی به نام سدرة المنتهی وجود دارد که الله تعالی در مورد آن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ١٣ عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ ١٤﴾ [النجم: 13 – 14].

ترجمه: «او که بار دیگر (در شب معراج) وی را نزد سدرة المنتهی دیده است».

رسول خدا ج در حدیث معراج می‌فرماید: «ثم انطلق بى – أي: جبريل – حتى انتهى إلى سدرة المنتهى ونبقها فلال هجر، وورقها مثل آذان الفيلة، تكاد الورقة تغطي هذه الأمة فغشيها ألوان لا أدري ما هي، ثم أدخلت الجنة، فإذا فيها جنابذ اللؤلؤ وإذا ترابها المسك»([[22]](#footnote-22)).

ترجمه: «بعد جبرئیل÷ مرا به همراه خود برد تا این که به سدرة المنتهی رسید... میوه‌هایش به بزرگی کوزه‌های هجر و برگ‌هایش مانند بزرگی گوش‌های فیل بود، چنان بزرگ که نزدیک بود برگ‌های آن، این امت را تحت پوشش درآورد، ناگاه به رنگ‌هایی درآمدند که نمی‌دانستم چه است، سپس وارد بهشت شدم و در آن با گنبدهایی که از مروارید ساخته شده بود روبرو شدم، و خاک جنت از مشک بود، و از جمله‌ای درختان جنت آن‌هایی هستند که لباس‌های که لباس‌های اهل جنت از آن درست می‌شود».

رسول خدا ج می‌فرماید: «طوبی درختی است که در جنت که به اندازه مسافت صدسال است که لباس اهل جنت از شاخه‌های آن درست می‌شود»([[23]](#footnote-23)).

آنچه که به زیبایی و منظرۀ درختان جنت می‌افزاید، این است که ساقه‌های آن‌ها از طلا می‌باشند، چنانچه رسول محبوب ج می‌فرماید: «ما في الجنة شجرة إلا ساقها من ذهب»([[24]](#footnote-24)).

ترجمه: «در جنت درختی نیست، مگر این که ساقه‌های آن از طلا می‌باشد».

الله اکبر! میوه‌های جنت چقدر لذیذ و درخت‌هایش چقدر زیبا می‌باشند! پس مبارک و خوشی باد برای کسی که نهال آن درختان را در دنیا با ذکر الله و تهلیل و تسبیح و تحمید و تکبیر الله تعالی به خوبی کاشته باشد.

رسول خدا ج می‌فرماید: «لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ لَيْلَةَ أُسْرِىَ بِى فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَقْرِئْ أُمَّتَكَ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيعَانٌ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»([[25]](#footnote-25)).

ترجمه: «با ابراهیم در شبی که به معراج برده شدم، ملاقات نمودم، به من گفت: ای محمد! به امت خود بگو که خاک جنت خوشبو و آب آن شیرین می‌باشد، و همانا جنت زمینی خالی و صاف است که وسیله‌ی کاشتن آن: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ می‌باشد».

پس برادر و خواهر گرامی! تا می‌توانی در جنت درختانی برای خودت بکار، باغ‌هایی پر از درخت با آسان‌ترین اذکار ذکرهایی که از نظر کلمه سبک و آسان می‌باشند.

اما اکثر امت از یاد آن‌ها غافل و روزگار خود را با سخنان بیهوده و لهو و حرام می‌گذرانند، آن اشخاصی که از آخرت غافل اند و تنها به کاشت و برداشت این دنیا مشغول هستند و بهره و نعمت‌های آخرت را فراموش کرده‌اند، به درستی افرادی بیچاره و بی‌نصیب می‌باشند که تلاش برای رسیدن به آرزوهای طولانی و محبت این دنیا همواره آن‌ها را از احسان و نعمت‌های بیکران و جاودان بهشت غافل گردانیده است تا وقتی که مرگ به سراغ آن‌ها می‌آید و زمانی از خواب غفلت بیدار می‌شوند که دیگر فایده‌ای ندارد. چنانچه شاعر می‌سراید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بخلت بشئ لا يضرك بذله |  | وجدت بشئ مثله لا يقوم |
| بخلت بذا الحظ الخسيس دناءة |  | وجدت بدار الخلد لو كنت تفهم |
| وبعت نعيما لا انقضاء له ولا |  | نظير ببخس عن قريب سيعدم |

ترجمه: نسبت به چیزی که بذل و بخشش آن به تو ضرر نمی‌رساند بخل ورزیدی و در عوض سخاوت کردی در دادن چیزی که مانند آن دوباره به دست نمی‌آید.

اگر واقعاً درک کنی، می‌فهمی که از شدت فرومایگی نسبت به این سهم ناچیز بخل کردی و در عوض سرای جاویدان بهشت را از دست دادی.

نعمت و سعادتی را که پایانی و شبیه و مثالی ندارد در برابر چیزی بی‌ارزش که به زودی تمام خواهد شد به ارزانی فروختی.

از رسول خدا ج روایت شده است که «أنَّهُ كَانَ يَوْمًا يُحَدِّثُ وَعِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ: أَنَّ رَجُلاً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ فِى الزَّرْعِ فَقَالَ: أَوَ لَسْتَ فِيمَا شِئْتَ. قَالَ: بَلَى، وَلَكِنِّى أُحِبُّ أَنْ أَزْرَعَ. فَأَسْرَعَ وَبَذَرَ فَتَبَادَرَ الطَّرْفَ نَبَاتُهُ وَاسْتِوَاؤُهُ وَاسْتِحْصَادُهُ وَتَكْوِيرُهُ أَمْثَالَ الْجِبَالِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: دُونَكَ يَا ابْنَ آدَمَ فَإِنَّهُ لاَ يُشْبِعُكَ شَىْءٌ. فَقَالَ الأَعْرَابِىُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لاَ تَجِدُ هَذَا إِلاَّ قُرَشِيًّا أَوْ أَنْصَارِيًّا فَإِنَّهُمْ أَصْحَابُ زَرْعٍ، فَأَمَّا نَحْنُ فَلَسْنَا بِأَصْحَابِ زَرْعٍ. فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ»([[26]](#footnote-26)).

ترجمه: «روزی مردم را ارشاد می‌نمود، مردی بادیه‌نشین حضور داشت، آن حضرت ج فرمودند: «مردی از ساکنان بهشت از خداوند اجازه می‌خواهد که در بهشت کشاورزی کند، خداوند می‌فرماید: آیا در رفاه و خوشی نیستی؟ و در باغ‌های بهشت زندگی نمی‌کنی؟ (که بازهم می‌خواهی کشاورزی کنی؟)، گفت: بله، اما دوست دارم کشاورزی کنم. (به او اجازه می‌دهد)، بالافاصله دست به کار می‌شود، بذر (گندم) می‌پاشد هنوز دانه‌پاشی را تمام نکرده، از گوشۀ دیگر زمین جوانه سبز شده و رشد می‌کند و به مرحله برداشت و درو می‌رسد، و مانند (خرمن) کوه‌ها محصول برداشت می‌کند، آنگاه خداوند متعال می‌فرماید: بگیر ای ابن آدم! تو را چیزی سیر نمی‌کند.

مرد صحرانشین که در محضر رسول الله ج نشسته بود، گفت: یا رسول خدا! این مرد (بهشتی) یا از مردم قریش یا انصاری و یا از ساکنین مدینه است، زیرا فقط این‌ها کشاورز هستند، اما ما صحرانشینان (در این دنیا) کشاورزی بلد نیستیم که در آنجا (بهشت) تقاضای کشاورزی کنیم، پیامبرج (با شنیدن سخن این مرد) خندیدند».

هیئت و شکل اهل بهشت

خداوند تبارک و تعالی اهل جنت را به کامل‌ترین صورت که بشر را برآن خلق کرده، آفریده و آن صورت و شکل و هیئت حضرت آدم÷ می‌باشد، و این آفرینش به این علت است تا سعادت اهل بهشت را در نعمت‌های جاویدان همیشگی خود کامل نماید.

همچنانکه خداوند چهره‌های اهل بهشت را به بهترین صورت آفریده، اخلاق آن‌ها را نیز بهترین و زیباترین اخلاق قرار داده‌اند، زیرا اهل جنت دارای اخلاق نیکوی یک مرد می‌باشند، چنانکه آن حضرت ج می‌فرماید: «أَخْلاَقُهُمْ عَلَى خُلُقِ رَجُلٍ وَاحِدٍ عَلَى صُورَةِ أَبِيهِمْ آدَمَ سِتُّونَ ذِرَاعًا فِى السَّمَاءِ»([[27]](#footnote-27)).

ترجمه: «اخلاق‌شان مانند اخلاق یک مرد می‌باشد، به شکل پدرشان آدم÷ شصت متر – به درازی – آسمان می‌باشند».

این زندگی راحت و آسوده در بهشت که سرشار از محبت و صفا و صمیمیت و برادری و الفت می‌باشد، چقدر زیبا و شیرین است، چنان که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ ٢٤﴾ [الحج: 24]. «و [در دنیا] به سخن پاکیزه راه یافتند و به راه [خداوند] ستوده راهنمایى شدند». و همچنین می‌فرماید: ﴿لَّا تَسۡمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةٗ ١١﴾ [الغاشيه: 11].

ترجمه: «در آنجا سخن یاوه‌ای نخواهند شنید».

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٤٧﴾ [الحجر: 47].

ترجمه: «و کینه‌توزی و دشمنی را از سینه‌های آن‌ها (اهل بهشت) بیرون می‌کشیم و (اهل جنت) برادرانه بر تخت‌ها روبروی هم می‌نشینند».

در بهشت هیچگونه کینه و خصومت و دشمنی، بغض و حسادت و اختلافی بین اهل جنت وجود ندارد و در آنجا مشاجره و جنگ و نزاعی رخ نمی‌دهد، بلکه آنجا جایگاه محبت و الفت و رحمت و سکینه و آرامش قلب است، رسول خدا ج در وصف اهل جنت فرموده‌اند که آن‌ها همه جوانانی 33 ساله هستند، چنانکه آنحضرت ج می‌فرماید: «يدخل أهل الجنة جرداً مرداً، كأنهم مكحلون، أبناء ثلاث وثلاثين»([[28]](#footnote-28)).

ترجمه: «اهل بهشت به صورت برهنه و بدون مو (و بدون ریش و سبیل و موی بدن) وارد بهشت می‌شوند، چنان که گویی چشم‌های آن‌ها سرمه زده و مانند مردان سی و سه ساله به نظر می‌رسند».

صفت خوب دیگری که اهل بهشت از آن بهره‌مند می‌باشند، این است که آن‌ها آب دهان و آب بینی ندارند، نه مدفوع می‌کنند و نه می‌خوابند، رسول خدا ج می‌فرماید: «النوم أخو الموت ولا ينام أهل الجنة»([[29]](#footnote-29)).

ترجمه: «خواب برادرِ مرگ است و اهل بهشت نمی‌خوابند».

پس اهل ایمان در این دنیا چقد تنها و ناشناخته می‌باشند، آن‌ها با اطمینان قلب به سوی نعمت‌های زیبای بهشت می‌روند و زبان حال‌شان می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لا خير في العيش مادامت منغصة |  | لذاته بأذكار الموت والهرم |

در زندگی این دنیا خوشی نیست، مادامی که لذات آن با ذکر موت و پیری تلخ شود. و یقیناً عیش و زندگی حقیقی مؤمنان در خانه همیشگی بهشت جاوید می‌باشد در جایی که پیری جوانی آن‌ها را و مرگ نعمت‌ها و زندگی ابدی آنان را نمی‌گیرد.

پس ای بنده خدا! چشم‌هایت را بر روی حقایق دنیا باز کن! تا آروزهای طولانی و غرور جوانی تو را در خواب غفلت فرو نبرد، زیرا آرزوها و خواهش‌های این دنیا تمامی ندارد و برآورده نخواهد شد، آگاه باش که بعد از جوانی پیری، بعد از پیری مرگ، و بعد از آن داخل قبر می‌شوی و به حساب و کتاب این دنیای تو رسیدگی می‌شود، یا اعمال نیک و عبادت تو در این دنیا این قدر زیاد است که به بهشت می‌روی و نعمت‌های جاویدان آن نصیب تو می‌شود، یا اینقدر اعمال ناشایست و نافرمانی در این دنیا انجام داده‌ای که به دوزخ داخل می‌شوی و عذابش دامن تو را می‌گیرد.

از خداوند بخشنده عفو و عافیت و حسن خاتمه را مسئلت دارم.

زنان اهل بهشت

در این دنیا همانند و نظیری برای زیبایی و حسن جمال زنان بهشتی نمی‌توان یافت، آنان دارای چشم‌هایی درشت و سیاه و گونه‌هائی درخشنده هستند که شادابی و تازگی همواره از رخسار آن‌ها می‌تراود، نگاه‌های آن‌ها سحرکننده و دید چشم‌های‌شان به طرف پائین است و به جز از شوهران خود به کسان دیگر نگاه نمی‌کنند، چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَحُورٌ عِينٞ ٢٢ كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِٕ ٱلۡمَكۡنُونِ ٢٣﴾ [الواقعة: 22 – 23].

ترجمه: «و حوریانى چشم گشاده دارند \* همچون مروارید (میان صدف) نهفته‏اند».

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ٥٨﴾ [الرحمن:58].

ترجمه: «انگار که آن حوریان (بهشت، مانند) یاقوت و مرجان هستند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ ٤٩﴾ [الصافات: 49].

ترجمه: «انگار آن‌ها تخم‌های (شترمرغ) هستند که (در زیر بال و پر شترمرغ) پنهان (از دید مردم و گرد و غبار) باشند».

سفیدی چشم‌های آنان با سیاهی همراه است و اندام‌شان بسیار زیبا و لطیف می‌باشد، در روایتی از آنحضرت ج آمده است: «وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ، يُرَى مُخُّ سُوقِهِمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ، مِنَ الْحُسْنِ»([[30]](#footnote-30)).

ترجمه: «برای هرکدام از مردان اهل بهشت دو همسر می‌باشد که از زیبایی مغز ساق‌هایشان از پشت گوشت دیده می‌شود».

و رسول خدا ج در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى الأَرْضِ لَمَلأَتْ مَا بَيْنَهُمَا رِيحاً، أي (الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ) وَلأَضَاءَتْ مَا بَيْنَهُمَا، وَلَنَصِيفُهَا عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»([[31]](#footnote-31)).

ترجمه: «اگر زنی از زنان جنت به زمین سر می‌کشید، ما بین آن یعنی (مشرق و مغرب) را از بوی خوشش پر می‌کرد، و ما بین آن دو را منور و نورانی می‌نمود و ارزش روسری که بر سرش می‌باشد، از دنیا و آنچه در آن است، بیشتر است».

برادر گرامی! باید آگاه باشی که این همه نعمت‌های جاویدان و ابدی بهشت جز به اطاعت و عبادت پروردگار و مقدم‌داشتن رضایت خداوند بر رضای خود با ادای نمازها و ذکر اذکار و تسبیح و بلندشدن و قیام برای عبادت در تاریکی‌های شب به دست نمی‌آید.

مالک بن دینار می‌گوید: هر شب آیاتی از سوره‌های قرآن را می‌خواندم، یک شب خواب رفتم، در خواب دختری بسیار زیبا را دیدم که در دستش تکه‌ای کاغذ بود، به من گفت: آیا دوست داری بخوانی؟ گفتم: بلی، کاغذ را به من داد، دیدم در آن اشعار ذیل نوشته شده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لهاك النوم عن طلب الأماني |  | وعن تلك الأوانس في الجنان |
| تعيش مخلداً لا موت فيها |  | وتلهو في الخيام مع الحسان |
| تنبه في منامك إن خيراً |  | من النوم التهجد بالقرآن |

ترجمه: خواب غفلت تو را از تلاش و رسیدن به آرزوها و از دسترسی به دوشیزگان بهشتی باز داشته است.

در آن بهشت برای همیشه جاویدان زندگی می‌کنی، در خیمه‌ها با زنان سیمین‌بدن بهشتی به عشرت به سر می‌بری.

از خواب (غفلت) بیدار شو! شب را با تلاوت قرآن در نماز سپری‌کردن بهتر از خواب است.

زنان بهشت همه دوشیزه هستند که هیچکسی از انسان و جن به آن‌ها دست نزده است، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ ٣٥ فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا ٣٦﴾ [الواقعه: 35 – 36].

ترجمه: «ما آن‌ها را (حوران بهشتی را در آغاز کار به این شکل زیبا و شمایل دلربا) پدیدار کرده‌ایم، ایشان را دوشیزگانی ساخته‌ایم (که پس از آمیزش بکارت خود را باز می‌یابند!)».

و کلمۀ ﴿عُرُبًا﴾ که در آیۀ 37 سورۀ واقعه آمده، به این معناست که زنان بهشت شیفته و محبوب همسران خود هستند که به هنگام نزدیکی و همبسترشدن با شوهران خود خوش برخورد و از نظر اخلاقی بسیار خوش‌اخلاق هستند.

و مبرد می‌گوید: زنانی که عاشق شوهران‌شان هستند.

اخلاق زنان اهل بهشت

اخلاق حوریان بهشت بسیار عالی و پسندیده است، بی‌اندازه با شرم و حیا بوده و مردان بهشتی خود را دوست دارند، و همواره نگاه خود را از نامحرم دور نگه می‌دارند و خوش برخورد هستند.

خداوند در مورد آنان می‌فرماید: ﴿فِيهِنَّ خَيۡرَٰتٌ حِسَانٞ ٧٠﴾ [الرحمن:70].

ترجمه: «در میان باغ‌های بهشت زنان خوب و زیبا هستند».

خیرات جمع خیر و احسان جمع حسنه، به معنی نیک و خوب می‌باشد، پس آنان دارای صفات و اخلاق و رفتار نیکو و خوب و دارای حسن صورت و چهره می‌باشند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿حُورٞ مَّقۡصُورَٰتٞ فِي ٱلۡخِيَامِ ٧٢﴾ [الرحمن: 72].

ترجمه: «(زنان بهشت) سیاه‌چشمانی هستند که هرگز از خیمه‌ها بیرون (نمی‌شوند و اینجا و آنجا به دنبال کارهای ناپسند) نمی‌روند».

آری، زنان بهشت در خیمه‌ها آراسته شده و فقط برای پذیرائی از همسران خود نشسته‌اند، کسی دیگر را نمی‌بینند، و هوس نگاه‌کردن غیر از همسران خود به کسی دیگر را ندارند، زیرا که خداوند پاک بهترین زندگانی جاویدان و با صداقت و محبت و اخلاص نسبت به شوهران‌شان را به آن‌ها عطا فرموده است، در قرآنکریم آمده است:

﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ٤٨﴾ [الصافات: 48].

ترجمه: «و نزد آن‌ها همسرانى زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمى‏ورزند». (طرف) به سکون (را) به معنی بصر و بینائی می‌باشد، یعنی نگاه آن‌ها و چشم آن‌ها به سبب دوست‌داشتن و محبت شوهران‌شان همواره به سوی آن‌ها می‌باشد.

آهنگ و موسیقی اهل بهشت

به زنان بهشت علاوه بر زیبائی دلنشین و لطافت اندام و ظرافت جسم و رخسارهای مسحورکننده و اخلاق و رفتار خوب و حسن سلوک، آهنگ و صوت دلنشین و موسیقی‌های گوش‌نواز نیز عطا شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥﴾ [الروم: 14 – 15].

ترجمه: «روزی که قیامت برپا می‌شود، مردم از یکدیگر جدا می‌گردند، (و گروهی سرنوشت جداگانه‌ای برای خود در جهان ابدی خواهند داشت و حال و وضع کافران جدای از حال و وضع مؤمنان خواهد بود). گروهی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان در باغ بهشت، مالامال از شادی و سرور می‌گردند (و آثار شادمانی و سرور در تمام وجودشان آشکار است)».

یحیی بن ابی کثیر می‌گوید: کلمه «الحبره» که در آیه آمده، معنی آن لذت و سماع و گوش فرادادن به آواز خوش می‌باشد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| أو ما سمعت سماعهم فيها غناء |  | الحور بالأصوات والألحان |
| واهاً لذياك السماع فكم به |  | للقلب من طرب ومن أشجان |
| واهاً لذياك السماع وطيبه |  | من مثل أقمار على أغصان |

ترجمه: آیا موسیقی آنان را با صوت و لحن و آواز و ترنم حوران بهشتی نشنیده‌ای؟ افسوس برآن ترنم و موسیقی که چقدر قلب‌ها را به وجد آورده و جریحه‌دار نموده است!

افسوس برآن ترنم و خوشی آواز حورانی که چون ماه بر روی شاخه‌ها می‌درخشند!

ای بندۀ خدا! این را هم باید بدانی که بهشت تنها با عمل به دست نمی‌آید، بلکه رسیدن به آن از جانب فضل و رحمت پروردگار است که به هرکس بخواه عطا می‌کند.

رسول اکرم ج می‌فرماید: «لَنْ يُدْخِلَ أَحَدًا مِنْكُمْ عَمَلُهُ الْجَنَّةَ». قَالُوا: وَلاَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: «وَلاَ أَنَا إِلاَّ أَنْ يَتَغَمَّدَنِىَ اللَّهُ مِنْهُ بِفَضْلٍ وَرَحْمَةٍ»([[32]](#footnote-32)).

ترجمه: «هرگز کسی از شما تنها به واسطه‌ی عملش داخل بهشت نمی‌شود، (بلکه باید رحم خدا شامل حال او باشد)».

گفتند: ای رسول خدا! شما هم به واسطه‌ی علمت داخل بهشت نمی‌شوید؟ گفت: «من هم وارد نمی‌شوم، مگر این که فضل و رحمت خدا شامل حالم باشد».

خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾ [السجدة: 17].

ترجمه: «هیچکس نمی‌داند در برابر کارهائی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان شده است».

پس (با) که در آیۀ مذکور آمده ﴿بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾، (با) سببی است، یعنی به سبب اعمال‌شان داخل جنت می‌شوند، خداوند متعال اعمال‌شان را سبب فضل و رحمت خویش قرار داده تا آنان را به واسطۀ آن، داخل بهشت گرداند.

پس برادر و خواهر گرامی! اکنون که دانستی بهشت فقط با فضل و رحمت پروردگار نصیب بندگان می‌شود، این را هم باید بدانی که رحمت و فضل خداوند با انجام‌دادن اعمالی که الله رب العزت از آن‌ها خشنود می‌شود، به دست خواهد آمد.

بنابراین، برای انجام اعمال صالح و کارهای نیک شتاب نما، دستورات پروردگار را بپذیر و حفاظت نما و به راه راست او حرکت کن، در این صورت رحمت‌های بی‌دریغ و فراوان خداوند چنان بر تو می‌ریزد که به وسیلۀ آن‌ها در بهشت برین و فردوس اعلا و در قصرهای جنت داخل شوی.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فاسلك طريق المتقين |  | وظن خيراً بالكريم |
| واذكر وقوفك خائفاً |  | والناس في أمر عظيم |
| إما إلى دار الشقاوة |  | أو إلى العز المقيم |
| فاغنم حياتك واجتهد |  | وتب إلى الرب الرحيم |

ترجمه: بنابراین، راه پرهیزگاران را در پیش گیر، و نسبت به خداوند کریم گمان خیر داشته باش.

و به یاد آور آن هنگامی را که در حضور پروردگار ترسان و لرزان قرار می‌گیری (در حالی که) مردم در بلا تکلیفی و بحران بزرگی به سر می‌برند.

شرایط آن‌ها از دو حال خارج نیست، یا به سوی سرای بدبختی‌ها و جهنم می‌روند، یا به عزت جاویدان در بهشت برده می‌شوند.

بنابراین، لحظات زندگی خود را غنیمت بشمار و بکوش و به پیشگاه پروردگار مهربان و بخشنده توبه کن.

راه‌رسیدن به بهشت

اما راه‌رسیدن به بهشت، همۀ آن عبادات و اعمال صالحی که تو را به سوی خداوند نزدیک گردانند، راه‌های رسیدن به بهشت هستند، پروردگار توانا در قرآن مجید همۀ عبادات و طاعاتی را که اگر با اخلاص عمل شوند و پاداش آن‌ها جنت است، بیان فرموده‌اند:

1. ایمان و عمل صالح: خداوند متعال در سورۀ عصر بیان می فرماید که انسان در خسارت و نقصان قرار دارد، مگر کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، چنان که می‌فرماید: ﴿ وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾ [العصر: 1 – 3].

ترجمه: «سوگند به زمانه (که سرمایۀ زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است) انسان‌ها همه زیان‌کارند، مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنجهائی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد)».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾ [البقرة: 25].

ترجمه: «(ای پیامبر!) مژده بده به کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار نیکو انجام داده‌اند، این که ایشان را است باغ‌هایی (بهشتی) که در زیر درختان آن رودها روان است».

و امثال این آیات در قرآنکریم فراوان است.

زیرا ایمان شناخت خدا و خوف و ترس و احترام به پروردگار توانا و پیروی از رسول خدا ج را می‌طلبد، و عمل صالح یعنی انجام‌دادن آنچه الله تعالی امر نموده و دوری‌نمودن از انجام آنچه نهی فرموده، از قبیل گناهان کبیره و فساد و اعمال ناروا.

1. نماز: خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ﴾ [العنکبوت: 45].

ترجمه: «مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناشایست بازمی‌دارد».

بنابراین، واضح شد که نماز انسان را از گناه و منکرات که سبب محرومیت از جنت می‌گردد، بازمی‌دارد. و همچنین نماز محو و نابودکنندۀ خطا و گناه می‌باشد. چنانکه رسول خدا ج می‌فرماید: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهَرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ، يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُبْقِى مِنْ دَرَنِهِ؟ قَالُوا: لاَ يُبْقِى مِنْ دَرَنِهِ شَيْئًا. قَالَ: فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهَا الْخَطَايَا»([[33]](#footnote-33)).

ترجمه: «به من بگوئید که هرگاه جویباری از آب از کنار درِ (منزل) یکی از شما بگذرد که از آن روزانه پنج مرتبه غسل کند، آیا از چرک‌های بدن او چیزی باقی می‌ماند؟ گفتند: از چرک‌هایش چیزی باقی نمی‌ماند. فرمودند: «پس این مثال نمازهای پنجگانه است که خداوند به وسیله‌ی آن گناهان را از بین می‌برد».

و رسول اکرم ج می‌فرماید: «مَا مِنِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلاَةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلاَّ كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ»([[34]](#footnote-34)).

ترجمه: «هیچ شخص مسلمانی نیست که هرگاه وقت نماز فرض او فرا می‌رسد، پس وضو و خشوع و رکوعش را خوب انجام می‌دهد، مگر این که کفاره‌ای برای گناهان قبلی‌اش می‌شود، تا زمانی که مرتکب گناه کبیره نشود، و نماز وی در طول زندگانی‌اش چنین می‌باشد».

پس برادر و خواهر گرامی! برای حفاظت از نماز خود همت کن، زیرا نماز نور چهره و نور چشم مؤمن و تعهد و پیمان وی با خدا و تفاوت میان مؤمن و کافر می‌باشد.

رسول خدا ج می‌فرماید: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكَ الصَّلاَةِ»([[35]](#footnote-35)).

ترجمه: «همانا فاصله میان مرد و میان شرک و کفر ترک نماز می‌باشد».

و می‌فرماید: «الْعَهْدُ الَّذِى بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلاَةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»([[36]](#footnote-36)).

ترجمه: «عهدی که میان ما و میان آنان می‌باشد، نماز است، کسی که آن را ترک کرد، پس به تحقیق که کافر شده است».

1. ادای نوافل: بعد از ادای فرائض انجام مستحبات سبب نزدیکی و تقرب به الله تعالی می‌گردد، و به تو برادر و خواهر گرامی‌ام لباس ولایت را خواهد پوشاند، زیرا نوافل علامت محبت تو و اطاعت و اخلاص تو نسبت به الله تعالی می‌باشد.

رسول خدا ج می‌فرماید: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّى لِلَّهِ كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَىْ عَشْرَةَ رَكْعَةً تَطَوُّعًا غَيْرَ فَرِيضَةٍ إِلاَّ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِى الْجَنَّةِ أَوْ إِلاَّ بُنِىَ لَهُ بَيْتٌ فِى الْجَنَّةِ»([[37]](#footnote-37)).

ترجمه: «پاداشی بهتر از این برای هیچ بنده‌ای که روزانه دوازده رکعت نماز نفل غیر از فرض بخواند نیست، مگر این که خداوند خانه‌ای زیبا برای وی در بهشت بنا خواهد کرد، یا مگر این که خانه‌ای در جنت برای او ساخته خواهد شد».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فدونك فاصنع ما تحب فإنما |  | غداً تحصل لزرع الذي أنت زارع |

پس آنچه از اعمال دوست داری انجام بده \* زیرا آنچه امروزه می‌کاری فردا درو خواهی کرد.

1. نیکی با والدین: از اعمالی که سبب ورود به بهشت می‌گردد: نیکی با والدین است، رسول خدا ج می‌فرماید: «رَغِمَ أَنْفُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُ، مَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ»([[38]](#footnote-38)).

ترجمه: «بینی‌اش خاک‌آلود باد، سپس بینی‌اش خاک‌آلود باد، سپس بینی‌اش خاک‌آلود باد! کسی که پدر و مادرش را یا یکی از آن دو را یا هردو را در پیری ببیند، و با خدمت‌کردن به آنان داخل جنت نشود».

پس خواننده گرامی! برای نیکی به والدین حریص باش و آنچه دستور می‌دهند، اطاعت نما، تا وقتی که دستورشان موجب نافرمانی الله تعالی نگردد، در این دنیا با آنان به نیکی رفتار کن، خداوند با بخشش و فضل و جنتش با تو به خوبی رفتار خواهد نمود، بدان که نافرمانی از والدین از بزرگترین گناهان می‌باشد، زیرا خداوند متعال اطاعت آن‌ها را با توحید و برحذرداشتن و منع از شرک به خودش یکجا ذکر فرموده: ﴿وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا﴾ [النساء: 36].

ترجمه: «(تنها) خدا را عبادت کنید و (بس. و هیچکس و) هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید».

برادر و خواهرم! بدان که توبه به جهت انجام‌دادن نیکی‌ها و عبادات می‌باشد، و آن منزلتی است که انسان‌های صالح در سفر این دنیا از آن جدا نخواهند شد، بلکه انبیاء و رسولان نیز همواره توبه می‌نمودند، زیرا خداوند متعال در هر وقت و زمانی به توبه امر می‌فرماید و فلاح و رستگاری را در گرو آن قرار داده است.

چون همۀ فرزندان آدم خطاکارند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾ [النور: 31].

ترجمه: «ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هائی که در برابر خدا داشته‌اید توبه کنید) تا رستگار شوید».

پس بیاندیش که خداوند چگونه توبه‌کننده‌گاران را نخست به ایمان موصوف نمود، بعد آن‌ها را به توبه دعوت کرد، تا هر مسلمانی این را بداند که توبه برای انسان در سایر راه‌های که به خاطر الله می‌پیماید، لازم می‌باشد.

و همواره بیاد داشته باشد که بهشت با کارهای سخت و جهنم با شهوت و خواهش‌های نفسانی پوشانده شده است، و اگر چنین نباشد، ازمایش بندگان چگونه صورت می‌گیرد و فرق بین صابر و مجرم و مطیع و فرمانبردار و عاصی و نافرمان چگونه شناخته می‌شود؟

رسول خدا ج می‌فرماید: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ أَرْسَلَ جِبْرِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَالَ: انْظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعْدَدْتُ لأَهْلِهَا فِيهَا قَالَ: فَجَاءَهَا وَنَظَرَ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لأَهْلِهَا فِيهَا قَالَ: فَرَجَعَ إِلَيْهِ قَالَ: وَعِزَّتِكَ لاَ يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلاَّ دَخَلَهَا. قَالَ: فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِىَ قَدْ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ فَرَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خِفْتُ أَنْ لاَ يَدْخُلَهَا أَحَدٌ»([[39]](#footnote-39)).

ترجمه: «وقتی خداوند بهشت را آفرید، جبرئیل را به بهشت فرستاد و فرمود: به جنت و آنچه خداوند برای اهل جنت آماده کرده بود نگاه کند، بعد نزد خداوند برگشت و گفت: قسم به ذاتت! کسی در مورد آن چیزی نمی‌شنود، مگر این که داخل آن بشود، رسول خدا ج فرمود: پس دوباره به جنت برگشت، آنگاه دید که آن با کارهای دشوار و سخت پوشیده شده است، پس به سوی خداوند برگشت و گفت: قسم به ذاتت! ترسیدم که کسی داخل آن نرود».

اللهم إنا نسألك الجنة وما قرب إليها من قول أو عمل وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوندا! از درگاه تو بهشت و آنچه از گفتار و کردار خوب که ما را به جنت نزدیک می‌کند، مسئلت داریم. و درود و سلام بر پیامبر ما محمد مصطفی ج و آل و اصحاب گرامی‌اش.

1. ()- صحیح بخاری 6 / 230 و مسلم 2824. [↑](#footnote-ref-1)
2. ()- ترمذی 2526 – احمد 2 / 445 و صحیح البانی در حاشیه مشکوة 5630. [↑](#footnote-ref-2)
3. ()- رواه مسلم، 3 / 118. [↑](#footnote-ref-3)
4. ()- السلسلة الصحیحة للألباني 4 / 273. [↑](#footnote-ref-4)
5. ()- البخاری 4 / 111 و مسلم 7 / 115. [↑](#footnote-ref-5)
6. ()- صحیح بخاری 8 / 479 و مسلم 2832. [↑](#footnote-ref-6)
7. ()- رواه الترمذي وقال حسن صحیح 3688. [↑](#footnote-ref-7)
8. ()- مسلم 18 / 52. [↑](#footnote-ref-8)
9. ()- مسلم 18 / 52. [↑](#footnote-ref-9)
10. ()- حادي الأرواح إلی بلاد الأفراح: 224. [↑](#footnote-ref-10)
11. ()- مسلم 1 / 150. [↑](#footnote-ref-11)
12. ()- صحیح بخاري مع الفتح 11 / 464. [↑](#footnote-ref-12)
13. ()- البخاری 6 / 11. [↑](#footnote-ref-13)
14. ()- ترمذي وقال حسن صحیح 2571. [↑](#footnote-ref-14)
15. ()- مجموعة الفتاوي ابن تیمیه را که در این زمینه می‌باشد 11 / 188، مطالعه فرمائید. [↑](#footnote-ref-15)
16. ()- صحیح مسلم 1 / 176. [↑](#footnote-ref-16)
17. ()-

    |  |  |  |
    | --- | --- | --- |
    | ای که پنجاه رفت و درخوابی |  | مگر این چند روزه دریابی |

    سعدی [↑](#footnote-ref-17)
18. ()- البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-18)
19. ()- مسلم: 1 / 176. [↑](#footnote-ref-19)
20. ()- صحیح الجامع: 1 / 363. [↑](#footnote-ref-20)
21. ()- البخاری 11 / 416 و مسلم 2 / 2176. [↑](#footnote-ref-21)
22. ()- صحیح الجامع 4 / 82 والحدیث في الصحیحن. [↑](#footnote-ref-22)
23. ()- السلسلة الصحیحة 4 / 639. [↑](#footnote-ref-23)
24. ()- صحیح الجامع 5 / 250. [↑](#footnote-ref-24)
25. ()- صحیح الجامع 5 / 34. [↑](#footnote-ref-25)
26. ()- البخاری 13 / 487. [↑](#footnote-ref-26)
27. ()- صحیح مسلم 4 / 2179. [↑](#footnote-ref-27)
28. ()- صحیح الجامع 6 / 337. [↑](#footnote-ref-28)
29. ()- السلسلة الصحیحة 3 / 74. [↑](#footnote-ref-29)
30. ()- صحیح البخاري مع الفتح 6 / 318. [↑](#footnote-ref-30)
31. ()- رواه مسلم وانظر الترغیب 4 / 532. [↑](#footnote-ref-31)
32. ()- صحیح مسلم: 4 / 2170. [↑](#footnote-ref-32)
33. ()- البخاری 2 / 9 و مسلم 667. [↑](#footnote-ref-33)
34. ()- مسلم 228. [↑](#footnote-ref-34)
35. ()- مسلم 82. [↑](#footnote-ref-35)
36. ()- الترمذي 2623 وقال حسن صحیح. [↑](#footnote-ref-36)
37. ()- مسلم 728. [↑](#footnote-ref-37)
38. ()- مسلم 2551. [↑](#footnote-ref-38)
39. ()- رواه الترمذي (2560) وقال: حسن صحیح ورواه احمد 2 / 332. وحسن إسناده الألباني في تخریج مشکاة المصابیح. حدیث رقم (5696). [↑](#footnote-ref-39)